


بررسی روند روابط ایران و عراق

از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا کناره‌گیری حسن البکر

(بهمن ۱۳۵۷ تا تیر ۱۳۵۸)

حجت‌الله کریمی*

<p>پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جدید در ایران، نزد حاکمان عراق دو گونه تلقی به وجود آورد؛ تلقی نخست ناظر بر سقوط حکومت پهلوی بود؛ بر این اساس تصمیم‌گیران سیاسی - نظامی دولت عراق وقوع انقلاب در ایران را به منزله‌ی فرصت پنداشتند. اصلی‌ترین دلیل چنین برداشتی تحلیل رفتن قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران در پی وقوع انقلاب - به عنوان پیامد طبیعی هر انقلابی - بود. دیدگاه دوم به استقرار نظام جدید نظر داشت. این تلقی از ماهیت دینی نظام برآمده از انقلاب ایران و نیز اوضاع داخلی عراق ناشی می‌شد. از این زاویه، حکومت نوین ایران از سوی رهبران عراق نوعی تهدید تلقی شد.</p> <p>بنابراین، دولت عراق در برابر ایران سیاستی دوگانه در پیش گرفت: حاکمان عراق در عرصه‌ی دیپلماتیک، وقوع انقلاب در ایران را رخدادی مطبوع اعلام و نسبت به تأیید آن اقدام کردند. اما در عمل، سیاست تحریک و تجاوز را در پیش گرفتند و مرزهای ایران را مورد تجاوز قرار داده، مخالفان داخلی انقلاب ایران را تحریک، تشویق و تسلیح کردند و مطرودین و وابستگان به رژیم پیشین را پناه و یاری دادند. دولت عراق درصدد بود با اتخاذ این سیاست دوگانه، ضمن کنترل درآوردن تهدیدهای احتمالی - به عبارت بهتر ادعایی - انقلاب ایران، از جنبه‌ی فرصت‌گونه‌ی آن نیز برای دست‌یابی به مطامع سیاسی و عمدتاً ارضی خود بهره‌گیری و به نوعی زورآزمایی سیاسی - نظامی بپردازد.</p>	<p>چکیده</p>			
<p>واژگان کلیدی: ایران، عراق، حسن البکر، انقلاب اسلامی، جنگ</p>				

مقدمه

در این میان، ماه‌های نخستین پس از پیروزی که نظام جدید دوره جنینی را سپری می‌کند و در عراق حسن البکر در مسند ریاست‌جمهوری قرار دارد، از حساسیت و پیچیدگی خاصی برخوردار است. چراکه در این برهه، دولت عراق در محافل دیپلماتیک از وقوع انقلاب در ایران ابراز خرسندی می‌کند و در همین راستا رئیس‌جمهور این کشور با نگارش نامه و ارسال پیام، دولت جدید ایران را به رسمیت می‌شناسد، انتصاب رئیس دولت موقت را

بی‌تردید، رخدادها و تحولاتی که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران (۲۲ بهمن ۱۳۵۷) تا هجوم سراسری عراق به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، به وقوع پیوسته‌اند در تبیین چرایی و چگونگی بروز جنگ بین دو کشور اهمیت به‌سزایی دارند. این بازه‌ی زمانی آبستن وقایع و رخدادهای متعددی است که به صورت سلسله‌وار رخ می‌دهند، فضای سیاسی روابط دو کشور را تیره می‌نمایند و نهایتاً به جنگ منجر می‌شوند.

* پژوهش‌گر مرکز اسناد دفاع مقدس

بود و رهبری آن را عالمی دینی بر عهده داشت که خواستار برقراری حکومت اسلامی بود. چنین انقلاب و چنین حکومتی با حکومت سکولار بعث عراق تعارضی بنیادین داشت. علاوه بر این بیش از نیمی از جمعیت عراق که در ساختار حاکمیت این کشور جایگاهی نداشتند پیروان مذهب تشیع بودند. از این رو انقلاب ایران و نظام برآمده از آن در نظر رهبران عراق تهدیدی بالقوه محسوب می‌شد.

براساس آنچه گذشت، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا سقوط حسن البکر روابط ایران و عراق چه روندی را طی کرده است؟

پرسش‌های فرعی پژوهش نیز عبارت‌اند از:
۱. دولت عراق در مواجهه با انقلاب اسلامی ایران و نظام جدید برآمده از آن، چه سیاستی در پیش گرفت و رویه‌ی دولت ایران در روابط با عراق چگونه بود؟

۲. سیاست عراق در برابر ایران ناظر بر چه رویکردی بود و چه اهدافی را دنبال می‌کرد؟
۳. عوامل چالش‌زا در روابط ایران و عراق چه بودند؟

فرضیه‌ی تحقیق نیز عبارت است از: روند روابط ایران و عراق بر اساس سیاست دوگانه‌ی عراق مبنی بر اعلام حسن هم‌جواری و اعمال تحریک و تجاوز شکل گرفت. دولت عراق با اتخاذ این سیاست می‌کوشید تا علاوه بر کنترل درآوردن تهدیدهای احتمالی - به عبارت بهتر ادعایی - انقلاب ایران، از وجه فرصت‌گانه‌ی آن نیز در راستای مطامع سیاسی و عمدتاً ارضی خود بهره‌برداری کرده، به نوعی زورآزمایی سیاسی - نظامی بپردازد.

بر اساس آنچه گذشت، در این مقاله ابتدا شمایی از روابط ایران و عراق پس از انعقاد قرارداد الجزیره (۱۹۷۵ م / ۱۳۵۴ ش) تا پیروزی انقلاب اسلامی ارائه خواهد شد. سپس مناسبات سیاسی دو کشور پس

تبریک می‌گوید و "صمیمانه‌ترین تبریکات" خود را به مناسبت برگزاری فراندوم تعیین نظام سیاسی به رهبر ایران "تقدیم" می‌کند، اما از سوی دیگر و در فضای غیر رسمی و غیر دیپلماتیک مرزهای ایران را مورد تجاوز قرار می‌دهد، در بحران‌های داخلی ایران به نفع مخالفان نظام جدید وارد عمل می‌شود و بازماندگان حکومت پیشین را پناه و یاری می‌دهد. دولت عراق براساس دو برداشت مختلف از تحولات جاری ایران، چنین سیاست دوگانه‌ی را در روابط خود با ایران در پیش گرفته بود. رهبران عراق با وقوع انقلاب ایران با دو رویداد مرتبط از نظر شکل اما متفاوت از لحاظ ماهیت مواجه شدند. آنان از یک سو شاهد فروپاشی حکومت پهلوی بودند که ژاندارمی منطقه‌ی خاورمیانه را عهده‌دار بود و توان و تجهیزات نظامی فراوانی در اختیار داشت؛

حکومتی که چندی پیش، از موضع قدرت قرارداد الجزیره را با عراق منعقد کرده بود. از سوی دیگر نظامی جای‌گزین این حکومت می‌شد که آشکار ماهیتی دینی داشت. وقوع انقلاب در ایران به طور طبیعی با مجموعه‌ی پیامدهای آنی از جمله بحران‌های داخلی، کشمش‌های سیاسی، تحلیل رفتن توان نظامی و... همراه بود که موجب تضعیف قدرت سیاسی - نظامی این کشور شده بود. چنین وضعیتی برای حکومت عراق با طوماری بلند از اختلافات ارضی و سیاسی با ایران و ناراضی از آخرین پیمان منعقد شده بین دو کشور فرصتی استثنایی به شمار می‌آمد. اما این همه‌ی ماجرا نبود. انقلاب ایران، انقلابی اسلامی و مبتنی بر آموزه‌های مذهب تشیع

با وجود دیدارها، مذاکرات و امضای تفاهم‌نامه‌های متعدد بین ایران و عراق از زمان امضای قرارداد الجزیره تا اوایل سال ۱۳۵۷، رقابت تسلیحاتی نه‌چندان پنهانی بین دو کشور جریان داشت

مجموعه‌ی پیامدهای آنی از جمله بحران‌های داخلی، کشمش‌های سیاسی، تحلیل رفتن توان نظامی و... همراه بود که موجب تضعیف قدرت سیاسی - نظامی این کشور شده بود. چنین وضعیتی برای حکومت عراق با طوماری بلند از اختلافات ارضی و سیاسی با ایران و ناراضی از آخرین پیمان منعقد شده بین دو کشور فرصتی استثنایی به شمار می‌آمد. اما این همه‌ی ماجرا نبود. انقلاب ایران، انقلابی اسلامی و مبتنی بر آموزه‌های مذهب تشیع

دو کشور گفت: «توسعه‌ی روابط بین دو کشور، که بر اساس منافع متقابل و عدم مداخله در امور داخلی یک‌دیگر است، برای کشورهای همسایه نمونه شده است.»

با وجود دیدارها، مذاکرات و امضای تفاهم‌نامه‌های متعدد بین ایران و عراق از زمان امضای قرارداد الجزیره تا اوایل سال ۱۳۵۷، رقابت تسلیحاتی نه‌چندان پنهانی بین دو کشور جریان داشت. در همین راستا شاه ایران در مصاحبه با خبرنگار نیوزویک در ۱۲ آبان ۱۳۵۶، به تلاش‌های عراق برای افزایش توان نظامی خویش اشاره کرده و

گفت: «... ما اختلاف‌هایمان را با عراق حل کرده‌ایم، اما گسترش نظامی این کشور همچنان به سرعت ادامه دارد.» البته این اظهار نظر به هیچ وجه نشان‌دهنده عدم تلاش ایران برای تسلیح و تجهیز بیش‌تر ارتش این کشور به سلاح‌های مدرن نبود. چراکه بر اساس آمار، در فاصله‌ی زمانی امضای قرارداد الجزیره در سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۵۸، شاه

ایران مبلغی معادل ۱۵/۵ میلیارد دلار برای خرید و سفارش تسلیحات هزینه کرده بود. این رقم برای عراق در مدت زمان مشابه ۸/۱ میلیارد دلار بود.

هر چند رهبران عراق تلاش فزاینده‌ای برای افزایش توان نظامی خویش آغاز کرده و حتی در راه رسیدن به سلاح‌های اتمی نیز خیز بلندی برداشته بودند، اما همان‌گونه که اشاره شد تلاش‌های تسلیحاتی ایران بیش‌تر از آن‌ها به ثمر نشسته بود و عراقی‌ها نیز از این واقعیت آگاهی داشتند. آن‌ها «نه تنها از محدودیت‌های نظامی خود دقیقاً مطلع بودند،

از پیروزی انقلاب اسلامی تا کناره‌گیری حسن البکر مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه نیز ضمن اشاره به سه مورد از مهم‌ترین مصادیق وجه فرصت‌گونه و تهدیدکننده انقلاب ایران برای دولت عراق و نوع تعامل این دولت با این مسائل، همچنین تاثیر آن بر روابط دو کشور مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. روابط ایران و عراق از انعقاد قرارداد الجزیره تا پیروزی انقلاب اسلامی

قرارداد الجزیره، بی‌گمان مهم‌ترین توافقی بود که بین دو کشور ایران و عراق پس از قریب به ۵۵ سال کشمکش، انجام گرفت. از این پس، روابط دو کشور متخاصم رو به بهبود نهاد و متعاقب آن دیدارها و سفرهای سیاسی بین دو طرف به منظور تحکیم بیش‌تر صمیمیت و حسن هم‌جواری آغاز شد. ششم فروردین ۱۳۵۴، تنها ۲۰ روز پس از امضای این قرارداد، امیرعباس هویدا نخست‌وزیر ایران، به عراق سفر کرد. در پایان این سفر، اعلامیه‌ی مشترکی انتشار یافت که در آن «طرفین پای‌بندی خود را به توافق ششم مارس ۱۹۷۵ الجزیره، برای حل و فصل مسائل موجود فی مابین دو کشور تأیید کردند.» مدتی بعد، صدام حسین نایب‌رئیس شورای فرماندهی عراق، در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۴ به ایران آمد و با شاه ایران ملاقات کرد. پس از صدام، چند مقام عالی‌رتبه‌ی دیگر عراقی نیز به ایران سفر کردند از جمله سعدون حمادی وزیر امور خارجه، در دی ۱۳۵۵ و عزت ابراهیم‌الدوری نایب‌رئیس شورای رهبری و وزیر کشور عراق در تیر ۱۳۵۶. در این دیدارها «دو کشور موافقت نمودند که برای توسعه‌ی رابطه‌های بین خود، پنج کمیته در امور کشاورزی، ماهی‌گیری، بازرگانی، ترانزیت، ارتباطات، آموزش، توریسم، انرژی و امور کنسولی تشکیل دهند.» در آذر ۱۳۵۶ نیز طه محی‌الدین معروف، نایب رئیس‌جمهور عراق، در سفری رسمی به ایران، در خصوص روابط

واقعیت دیگری که شاید پیش از هر عاملی، موضع‌گیری در برابر دولت انقلابی ایران را برای رهبران عراق پیچیده و حساس می‌کرد، ماهیت دینی انقلاب اسلامی ایران بود که آن را در نقطه‌ی مقابل حکومت بعث، که بنای آن بر سکولاریسم استوار شده بود، قرار می‌داد

آب را با شاه حل کرده بودیم و به همین دلیل است که به آیت‌الله خمینی که به عراق تبعید شده بود، توصیه کردیم عراق را ترک کند تا بتوانیم با ایران روابط حسن هم‌جواری داشته باشیم.

اما پیروزی انقلاب اسلامی ایران محاسبات سیاستمداران عراقی را برهم زد. به همین دلیل سفارت عراق در ایران در اقدامی شتاب‌زده، روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ - یعنی روز پیروزی انقلاب اسلامی - در نامه‌ی بی‌روشنانه‌ی کیهان اظهارات این مقام عراقی را تکذیب کرد. هر چند سفارت عراق در تکذیبی‌های خود بر خبر مورخ ۱۴ بهمن روزنامه‌ی کیهان، کوشیده بود و انمود کند که «عراق به اراده‌ی میهن‌پرستانه‌ی ملت ایران کمال احترام را می‌گذارد و در امور داخلی ایران هیچ‌گاه دخالت نمی‌کند» اما شواهد و قرائن این ادعا را تأیید نمی‌کرد. ساده‌ترین دلیل برای رد ادعای سفارت عراق، تاریخ نگارش نامه است، زیرا خبر مذکور در ۱۴ بهمن ۱۳۵۷، به چاپ رسیده، در حالی که نامه‌ی سفارت حدود یک هفته بعد از درج خبر و درست زمانی که پیروزی انقلاب اسلامی قطعیت یافت، نگاشته شده است. این اقدام عراق را می‌توان اولین اقدام در راه اعلام سیاست حسن هم‌جواری پنداشت.

پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط حکومت پهلوی رخدادی بود که موجب تغییراتی در عرصه‌ی روابط بین‌الملل شد و وضعیت جدیدی را به وجود آورد که در آن دولت‌های مختلف با توجه به واقعیات عینی و مصالح و منافع خویش، می‌بایست در برابر دولت برآمده از انقلاب اسلامی به اتخاذ و اعلام موضع می‌پرداختند. این امر برای دولت عراق اهمیتی ویژه داشت، چراکه از یک سو عراق همسایه‌ی ایران بود و علاوه بر داشتن طولانی‌ترین مرز خشکی، روابط تاریخی پرمخاطره و قرابت فرهنگی بسیاری با این کشور داشت و از سوی دیگر مسئولان عراقی تا آخرین لحظات از حکومت پهلوی

بلکه از توانایی بالقوه‌ی ایران در برانگیختن کردها برای اعمال فشار بر بغداد نیز خبر داشتند.» اما در این میان تحولاتی در عرصه‌ی سیاست داخلی ایران به وقوع پیوست که می‌توانست به عاملی برای تغییر موازنه‌ی قوا تبدیل شود.

مبارزات مردم ایران با حکومت پهلوی که از اوایل دهه‌ی ۱۳۴۰ و به رهبری امام خمینی^(۵) آغاز شده بود، در سال ۱۳۵۷ به اوج خود رسید. در این برهه تصمیم‌گیران سیاسی - نظامی عراق در موقعیتی قرار گرفتند که می‌بایست بین رژیم حاکم بر ایران و مخالفان آن یکی را برمی‌گزیدند. به درستی مشخص نیست که سردمداران حکومت بعثی عراق چگونه و بر چه اساسی دست به انتخاب زدند، اما آنچه مبرهن است اینکه آنان طرف رژیم پهلوی را گرفتند. برآیند این انتخاب نیز اخراج امام خمینی^(۶) از عراق بود. این پایان ماجرا نبود؛ رهبران عراق پس از اخراج امام خمینی^(۷)، از فرح دیبا، همسر شاه ایران، به گرمی استقبال کردند و نشان دادند که در طرف‌داری از حکومت پهلوی ثابت‌قدم هستند. این جانب‌داری حتی پس از فرار شاه از ایران نیز ادامه یافت. به گونه‌ی که هفته‌نامه‌ی عرب‌زبان المستقبل، چاپ

رهبران حکومت بعث عراق، در رویارویی با وضعیت جدید و در روابطشان با ایران ضمن رعایت جانب احتیاط رویه‌ی را در پیش گرفتند که هم ملاحظه وجه فرصت‌گونه انقلاب ایران را می‌نمودند و هم جنبه تهدیدکننده آن را در نظر داشتند

لندن، گزارش داد:

یک مقام بلندپایه‌ی عراقی، گفته است [بهرتر است] شاه به ایران بازگردد. همین مقام مسئول عراق گفت که می‌توان قانون اساسی ایران را به نحوی اصلاح کرد که شاه حکومت نکرده و فقط سلطنت کند. او گفت: عراق با تغییر رادیکال رژیم ایران موافق نیست. وی افزود: ما کلیه‌ی مسائل موجود در مرز مشترک دو کشور، مسئله‌ی کردها و مسئله‌ی



دیدار صدام و محمدرضا پهلوی، توافقنامه ۱۹۷۵ الجزایر

حمایت کرده بودند. در کنار این مسائل واقعیت دیگری که شاید بیش از هر عاملی، موضع‌گیری در برابر دولت انقلابی ایران را برای رهبران عراق پیچیده و حساس می‌کرد، ماهیت دینی انقلاب اسلامی ایران بود که آن را در نقطه‌ی مقابل حکومت بعث، که بنای آن بر سکولاریسم استوار شده بود، قرار می‌داد. علاوه بر این، ایدئولوژی انقلاب ایران که از آموزه‌های اسلام

انقلابی و به طور مشخص مذهب تشیع منبعث می‌شد، برای عراق، که بیش از ۶۰ درصد جمعیت آن شیعه بود، زنگ خطری جدی به شمار می‌آمد، به ویژه که اکثر قریب به اتفاق طبقه‌ی حاکم در این کشور بر مذهب تسنن بودند و شیعیان رضایت چندانی از حکومت نداشتند.

بنابراین، حاکمان عراق خود را در موقعیتی حساس و شاید تاریخی می‌دیدند. وضعیت جدید ایران برای حکومت عراق هم تهدید بود و هم فرصت. آنان از طرفی شاهد فروپاشی حکومتی در همسایگی خود بودند که ادعا می‌کرد پنجمین ارتش جهان را در اختیار دارد و در گذشته‌ی نه‌چندان دور از موضع قدرت قرارداد الجزیره را با عراق منعقد کرده بود، قراردادی که به هیچ وجه خوشایند طرف عراقی نبود. از طرف دیگر حکومتی در ایران در شرف تشکیل بود - که هر چند بر اثر انقلاب از توان سیاسی و نظامی آن به میزان فراوانی کاسته شده بود، بالقوه می‌توانست به الگویی برای ملت‌های دیگر به ویژه مردم مسلمان عراق تبدیل شود.

تصمیم‌گیران حکومت عراق همچنین می‌دانستند که ارتش ایران انسجام گذشته را ندارد؛ بسیاری از فرماندهان آن گریخته یا در معرض تصفیه قرار گرفته‌اند؛ نظم، مهم‌ترین عنصر در تشکیلات نظامی، از ساختار ارتش ایران رخت بر بسته است؛ بسیاری از گروه‌های داخلی در صدد انحلال آن هستند و مقدار فراوانی از تجهیزات و تسلیحات آن بر اثر بی‌توجهی در معرض خطر قرار گرفته است. دولت عراق با توجه به اوضاع پیچیده‌ی ایران، سیاستی محتاطانه را اتخاذ کرد. رهبران حکومت بعث عراق، در رویارویی با وضعیت جدید و در روابطشان با ایران ضمن رعایت جانب احتیاط رویه‌ی را در پیش گرفتند که هم ملاحظه و وجه فرصت‌گونه انقلاب ایران را می‌نمود و هم جنبه تهدیدکننده آن را در نظر داشت. نگارنده از این رویه‌ی دولت عراق به "اعلام سیاست حسن هم‌جواری و اعمال سیاست تحریک و تجاوز" تعبیر می‌کند. در ادامه مصادیق اعمال این سیاست که به صورت توأمان اجرا می‌شد، به تفصیل بیان خواهد شد.

۲. ماهیت روابط عراق با ایران: اعلام سیاست حسن همجواری، اعمال سیاست تحریک و تجاوز

همان‌گونه که اشاره شد سفارت عراق در ایران، به محض اطمینان از پیروزی قطعی انقلاب اسلامی، در اقدامی شتابزده اظهار نظر مقام عراقی در خصوص حمایت از شاه ایران را تکذیب کرد. این اقدام را می‌توان اولین قدم دولت عراق در راستای اعلام سیاست حسن همجواری قلمداد کرد. پس از چندی دومین قدم نیز برداشته شد: سفارت عراق در تهران، با ارسال نامه‌یی به نخست‌وزیر دولت موقت ایران، بر حسن همجواری و عدم مداخله در امور داخلی ایران تأکید کرد. در این نامه آمده بود: «سیاست

عراق برقراری علائق برادری در روابط با تمام ملت‌ها و کشورهای هم‌جوار بر مبنای احترام به حقوق و حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی و احترام به آرمان‌های مشروع ملت‌ها بر طبق اصولی که تا زمانی که دولت‌های هم‌جوار رعایت نمایند، استوار است.» سومین قدم دولت عراق، در خصوص اعلام سیاست حسن همجواری، تأیید تلویحی انقلاب ایران و اظهار

خرسندی از پیروزی ملت ایران و به ویژه مواضع ضد صهیونیستی رهبران انقلاب بود، که در نامه‌یی خطاب به مهندس بازرگان اعلام شد.

دولت عراق هم‌زمان با این اقدامات، که حاکی از تلاش‌های دیپلماتیک و ظاهراً براساس سیاست حسن همجواری بود، سیاست تحریک و تجاوز را نیز دنبال می‌کرد. اولین مورد جدی از اعمال این سیاست، هشتم اسفندماه ۱۳۵۷ به وقوع پیوست، در این روز، هلی‌کوپترها و هواپیماهای عراقی حریم

هوایی ایران را نقض و منطقه مرزی سیرین را بمباران کردند... در این حمله ۲ کُرد ایرانی کشته و ۷ نفر دیگر به نقاط نامعلومی برده شدند.

پس از این تجاوز هوایی، نه‌تنها دولت موقت ایران به اقدام عراق اعتراض نکرد، بلکه یک مقام ایرانی که روزنامه‌ی اطلاعات وی را از نزدیکان نخست‌وزیر خواند، گفت: «مسئله‌یی که مورد توجه دولت ایران است، امکان مداخله‌ی عراق در مسئله‌ی کُردستان برای جلوگیری از به پا خاستن اکراد عراق است.» پس از آن، کریم سنجابی وزیر امور خارجه‌ی ایران، اعلام کرد: «انقلاب ایران به همه‌گونه اقدام‌های لازم برای تحرک بخشیدن به روابط برادرانه‌ی اسلامی با کشورهای عرب دست خواهد زد.» این‌گونه اظهارات مقامات ایرانی نشانه‌ی سیاست حسن همجواری ایران بود و از تمایل نداشتن این کشور به ایجاد تنش در روابط خارجی حکایت می‌کرد.

به هر تقدیر، سیاست دوگانه عراق در برابر ایران همچنان ادامه یافت و در این میان میزان تحریک و تجاوز بیش‌تر و محسوس‌تر بود. به گونه‌ای که رکن ۲ ژاندارمری ایران، در ۱۲ اسفند ۱۳۵۷، در تلفنگرامی به وزارت کشور اعلام کرد: «اخیراً ارتش عراق در قریه‌ی "سیاه‌گویز" آن کشور، مقابل حوزه‌ی استحفاظی مرزبانی بانه، نیرو پیاده نموده است و احتمالاً قصد تجاوز به خاک ایران را دارد.» با این حال، سیاست رسمی دولت عراق لحن دیگری داشت؛ سفارت عراق در تهران در پی انتشار اخباری مبنی بر حضور برخی افراد ضد انقلاب در خاک عراق، در نامه‌یی به روزنامه‌ی اطلاعات با تکذیب قاطعانه‌ی این اخبار افزود: «این مطلب، هدفی جز تیره ساختن روابط اخوت و هم‌کیشی موجود میان دو ملت عراق و ایران را ندارد.»

اسفند ۱۳۵۷، با همین رویه‌ی متناقض عراق در برابر ایران، به پایان رسید. در این برهه، در حالی که چند مورد تجاوز هوایی عراق به ایران و نیز

اولین مورد جدی از سیاست تحریک و تجاوز، هشتم اسفندماه ۱۳۵۷ به وقوع پیوست. در این روز هلی‌کوپترها و هواپیماهای عراقی حریم هوایی ایران را نقض و منطقه مرزی سیرین را بمباران کردند

ایران دریافت شد و دیگری دارای لحن خصمانه و کلمات نامناسب بود و در روزهای ۱۹ و ۲۰ آوریل [۳۰ و ۳۱ فروردین ۱۳۵۸] از طرف خبرگزاری پارس و روزنامه‌های [ایران] منتشر گردید.»

آنچه مقامات عراقی، پاسخی خصمانه خوانده‌اند، پیامی بود که از طرف دفتر امام خمینی^(ره) انتشار یافت. در این پیام خطاب به رئیس‌جمهور عراق آمده بود:

«... [نهضت انفجاری ایران در اثر دیکتاتوری و اختناق و فشار رژیم پهلوی هشدار می‌دهد برای همه‌ی مستکبرین در مقابل مستضعفین. من امیدوارم همه‌ی دولت‌ها با ملت‌های خود با مسالمت رفتار

کنند. دولت‌ها باید در خدمت ملت‌ها باشند و ملت‌ها پشتیبان آنان، تا آسایش برای همگان باشد. عاقبت اختناق‌ها انفجار است و آن، نه صلاح ملت است و نه صلاح دولت.»

پیام امام نه تنها «خصمانه» نبود، بلکه نصیحتی بود از رهبری دینی خطاب به رئیس‌جمهوری مسلمان. امام نه از جایگاه سیاسی خویش، بلکه از منظر شخصیتی

مذهبی که به واسطه اقامت نسبتاً طولانی در کشور عراق، شاهد و ناظر اوضاع سیاسی و اجتماعی عراق بوده است، همه‌ی دولت‌ها به طور اعم و حسن البکر رئیس‌جمهور عراق را به طور اخص مخاطب قرار داده است. وی در این پیام به حسن البکر توصیه می‌کند راهی که شاه ایران پیمود را ادامه ندهد تا به سرنوشت او دچار نشود. بنابراین، پیام امام نه دخالت در امور سیاسی کشور همسایه و نه تهدید دولت بعث، بلکه ارائه‌ی راه‌کاری نصیحت‌گونه

قاچاق اسلحه از مرزهای آن کشور به داخل خاک ایران گزارش شده بود، سعدون حمادی وزیر امور خارجه‌ی عراق، خروج ایران از پیمان سنتو را به وزیر خارجه‌ی ایران تبریک گفته، "سیاست مستقل دولت موقت انقلاب اسلامی ایران" را تحسین کرد. این مقام عراقی چندی بعد در مصاحبه با هفته‌نامه‌ی الفباء چاپ بغداد، گفت: «عراق به ثبات ایران و پیشرفت این کشور در جهت سیاست عدم تعهد و برقراری روابط حسنه میان ایران و سایر کشورهای عرب علاقه‌مند است، به شرطی که ایران در امور داخلی عراق مداخله نکند و از سیاست برتری طلبی در خلیج [فارس] اجتناب کند.»

سال ۱۳۵۸، در حالی آغاز شد که نظام جدید ایران که در مرحله‌ی تثبیت قرار گرفته بود، رویداد مهمی را پیش رو داشت؛ همه‌پرسی تعیین نوع نظام سیاسی. دهم فروردین ماه این سال همه‌پرسی برگزار و با رأی اکثر قریب به اتفاق مردم ایران "جمهوری اسلامی" به عنوان شکل نظام سیاسی جدید کشور انتخاب و معرفی شد. پس از این، دولت‌های دیگر می‌بایست وجود، عدم و نوع روابطشان با «جمهوری اسلامی» را مشخص می‌کردند.

عراق با این رخداد نیز مانند وقوع انقلاب اسلامی برخورد کرد، یعنی تأیید در عرصه‌ی دیپلماسی. بر همین اساس، حسن البکر، رئیس‌جمهور عراق، در تلگرافی خطاب به امام خمینی^(ره)، ضمن تبریک به مناسبت اعلام جمهوری اسلامی اظهار امیدواری کرد: «که رژیم جمهوری جدید فرصت‌های بیش‌تری برای ملت دوست ما ایران به وجود آورد. [...] و محکم‌ترین روابط دوستی و همسایگی را با کشورهای عربی به طور کلی و با کشور عراق به طور اخص برقرار نماید.» مقامات عراقی مدعی بودند در پاسخ به پیام رئیس‌جمهور عراق، دو متن مختلف از سوی ایران ارسال شده است: «یکی که لحن مؤدبانه داشت و از طریق وزارت امور خارجه‌ی

سعدون حمادی وزیر امور خارجه‌ی عراق، خروج ایران از پیمان سنتو را به وزیر خارجه‌ی ایران تبریک گفته، "سیاست مستقل دولت موقت انقلاب اسلامی ایران" را تحسین کرد

سید محمود دعایی، از نزدیکان امام را به عنوان سفیر ایران در عراق معرفی کرد. دعایی در اولین مصاحبه‌ی خود، نگرش مثبت و امیدوارانه‌ی ایران به عراق را منعکس کرد؛ وی دولت عراق را "رژیم انقلابی"، "هم‌کیش" و "پای‌بند به اصول انقلابی" خواند و در پاسخ به این سؤال که به عقیده‌ی شما رابطه‌ی رژیم و مردم عراق با انقلاب و مردم ایران چگونه است؟ گفت: «رابطه‌ی دوستانه و صمیمانه، نمونه‌ی آن هم تهنیت و تبریک گرم مقامات بلندپایه و رسمی عراق به رهبر کبیر خلق ما و به دولت موقت جمهوری اسلامی [است.]» سفیر جدید ایران در عراق، حتی در مورد اخراج امام خمینی^(۵) از عراق موضعی معتدل اتخاذ کرد و گفت: «باید توجه داشت که عراقی‌ها به شخصیت والای نفوذناپذیر، آشتی‌ناپذیر، ضد استعماری، ضد استبدادی و بالأخره موقعیت ممتاز مردمی و جهانی امام واقف بودند و تا بدان‌جا که تأثیری در روابطشان با ایران نمی‌گذاشت، جداً به آن احترام می‌گذاشتند. آنچه که اواخر صورت گرفت محذوری بود که عراقی‌ها در رعایت تعهدات‌شان نسبت به رژیم ایران به دنبال مذاکرات و توافق‌الجزایر داشتند.»

چند روز پیش‌تر از مصاحبه‌ی سفیر ایران در عراق سپری نشده بود که ۴ هواپیمای عراقی حریم هوایی ایران را نقض و روستاهای مرزی گوره‌شیر، کائین زر، سالاری و منطقه‌ی سردشت را هدف حمله قرار دادند. بر اثر این حمله، ۶ ایرانی کشته، ۴ تن مجروح و بیش از ۲ میلیون تومان خسارت به بار آمد. در پی این اقدام، سفیر عراق در تهران در پاسخ به اعتراض ایران، از این واقعه اظهار بی‌اطلاعی کرد و وعده داد که ضمن تماس با دولت متبوع خود، در این مورد تحقیقاتی به عمل آورد. پس از این سخنان سفیر عراق و در حالی که به گفته‌ی سخن‌گوی دولت موقت ایران «هنوز دولت عراق توجیه صحیحی نسبت به بمب‌باران دهکده‌های

به رئیس‌کشوری مسلمان بود که به کار بستن آن می‌توانست ضامن بقای حکومت عراق شود. توجه به پیام حسن البکر و مواردی نظیر آن، همچنین، مطالعه‌ی دقیق سایر عوامل پیدا و پنهان اثرگذار در روابط ایران و عراق، تداوم روند متناقض اعلام سیاست حسن هم‌جواری و اعمال سیاست تحریک و تحرک به وسیله‌ی عراق را در این دوره آشکار می‌کند. توضیح اینکه هم‌زمان با فعالیت‌های رسمی دولت عراق در عرصه‌ی دیپلماسی، گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی، در خاک عراق علیه حکومت نوپای ایران در حال فعالیت بودند. با این حال محافل رسمی دولت عراق همچنان بر حسن

هم‌جواری تأکید و حتی وجود چنین فعالیت‌هایی را تکذیب می‌کردند. برای نمونه کاردار سفارت عراق در تهران در ملاقات با معاون اداره‌ی اول سیاسی وزارت امور خارجه‌ی ایران، در پاسخ به درخواست ایران مبنی بر جلوگیری از فعالیت ضد ایرانی سپهبد پالیزبان در عراق، اساساً حضور نامبرده در عراق را انکار کرد و زمانی که مقام ایرانی توضیح داد

دولت جمهوری اسلامی اطمینان دارد که پالیزبان در عراق مستقر بوده و با هم‌کاری شخصی به نام ایوبی مشغول تشکیل دسته‌های چریکی است، کاردار پاسخ داد: «ممکن است نامبرده در مناطقی باشد که در آن عملیات شورشی از جانب کردهای عراقی ادامه دارد.»

با وجود سیاست‌های متناقض عراق، دولت موقت ایران که اساس سیاست خارجی خود را بر حسن هم‌جواری و احترام متقابل قرار داده بود،

سید محمود دعایی سفیر ایران
در عراق دولت عراق را "رژیم
انقلابی"، "هم‌کیش" و "پای‌بند به
اصول انقلابی" خواند

وجود این که وزارت خارجه‌ی ایران با انتشار بیانیه‌ی بی‌سابقه‌ی به صراحت سخنان روحانی را در حکم "اظهار عقیده‌ی آزاد و خصوصی" اعلام و تأکید کرد: «آیت‌الله روحانی دارای سمتی رسمی در دولت موقت جمهوری اسلامی نمی‌باشد». وزیر اطلاعات عراق با اتخاذ موضعی موضع تند در برابر ایران گفت: «هر ادعایی از طرف ایران در مورد مالکیت بر بحرین نشان‌دهنده‌ی یک طرز فکر توسعه‌طلبانه و وطن‌پرستی افراطی خواهد بود. [...] بحرین عربی است و هیچ ادعایی در مورد آن وارد نیست. طرز تفکرهای متعصبانه و توسعه‌طلبانه، گاهی حقایق را وارونه جلوه می‌دهد.»

ایرانی» ارائه نکرده بود، هواپیماهای عراقی بار دیگر حریم هوایی ایران را نقض کردند؛ ساعت ۲ بامداد نوزدهم خرداد، دو هواپیمای سوخوی عراقی از طریق مرز هوایی اورامانات وارد فضای ایران شدند و تا ۹۰ کیلومتری خاک ایران (منطقه‌ی جوانرود) را مورد تجاوز قرار دادند. تجاوزات مرزی عراق با تجاوز به حریم ایران در منطقه‌ی دزلی در ۲۱ خرداد باز هم تکرار شد.

به دنبال تجاوزهای مکرر عراق به حریم هوایی ایران، سفیر عراق در تهران با مهندس بازرگان رئیس دولت موقت و ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه، دیدار و رسماً از بمباران دهکده‌های مرزی ایران به وسیله‌ی جنگنده‌های عراقی، عذرخواهی کرد. در این دیدار، عبدالملک الیاسین سفیر عراق، اقدام هواپیماهای عراقی را نادرست خواند و آمادگی دولت عراق را برای جبران هر نوع خسارتی اعلام کرد. هر چند وعده‌های قبلی مقامات عراقی درباره‌ی جبران خسارت عملی نشده بود، دولت ایران همین وعده‌ی صرف را نیز تعبیر به حسن نیت کرد و عذرخواهی مقام عراقی پذیرفته شد. با این همه، چند روز بعد بار دیگر هواپیماهای عراق حریم هوایی ایران را نقض کرده، بر فراز پاسگاه‌های مرزی انجیره، هلاله و نی‌خزر به پرواز درآمدند و پس از شناسایی به سوی پاسگاه مرزی نی‌خزر آتش گشودند.

در این میان، انتشار مصاحبه‌ی آیت‌الله صادق روحانی، بهانه‌ی شدت تا تحریکات و تحرکات عراق تشدید شود. روحانی - که هیچ سمت رسمی‌یی در دولت ایران نداشت - در این مصاحبه گفته بود: «چنانچه تحریکات و ادعای اعراب برای بازگرداندن جزایر تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی ادامه یابد، ایران ادعای ارضی خود را بر بحرین دنبال خواهد کرد. ما در خوزستان ادعای آن زمین‌هایی داریم که به دنبال صلح صدام حسین و محمدرضا پهلوی به رسم تعارف به عراق واگذار شد.» با

در پی این رخدادها، روابط سیاسی دو کشور به تیرگی گرائید. این تیرگی روابط تا آن‌جا پیش رفت که آیت‌الله رضوانی نماینده‌ی امام در نجف، از سوی نیروهای امنیتی عراق بازداشت و سپس از این کشور اخراج شد. همچنین، تحرکات مرزی عراق به شدت افزایش یافت؛ پاسگاه‌های مرزی این کشور تقویت شد؛ یک هلی‌کوپتر عراقی به مرزهای

ایران تجاوز کرد که با پدافند نیروهای مرزی متواری شد؛ جنگنده‌های عراقی به حریم هوایی شهر مریوان تجاوز کردند؛ عراق با شلیک موشک آر.پی. جی ۷ به ساختمان پاسگاه مرزی سعیدیه، آن را منهدم کرد و روستایی در حومه‌ی اورامانات به وسیله‌ی دو هواپیمای سوخوی عراقی بمباران گردید.

به رغم تحرکات و تجاوزهای مرزی عراق علیه ایران، ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه‌ی ایران، کوشید با انجام مصاحبه‌ی فضای ملتهب به وجود

به دنبال تجاوزهای مکرر عراق به حریم هوایی ایران، سفیر عراق در تهران با مهندس بازرگان رئیس دولت موقت و ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه، دیدار و رسماً از بمباران دهکده‌های مرزی ایران به وسیله‌ی جنگنده‌های عراقی، عذرخواهی کرد

کرد و گفت: «آنان قصد دارند» به اسلام روح و توان تازه‌یی بدهند.» و در ادامه اظهار کرد: «ما خواهان مناسبات متکی بر سیاست حسن هم‌جواری با ایران هستیم، اما به خاطر آن گدایی نمی‌کنیم.» ادامه‌ی سخنان صدام حسین، تلاشی بود ماهرانه برای نمایاندن قدرت عراق و طعنه‌یی به منظور نشان دادن تعدد مراکز تصمیم‌گیری قدرت در ایران؛ وی گفت: «سیاست ما این است: ما رهبران تازه‌ی ایران را متوجه اشتباهات‌شان می‌کنیم بدون این‌که دچار دست‌پاچگی شویم، ما عاقل‌تر و فهمیده‌تر هستیم، ما در این جا ثبات داریم، ما یک رهبر داریم و آن‌ها چندتا؛ انقلاب ما هم‌گون، سازمان‌دیده و منضبط است؛ انقلاب آن‌ها بدون انضباط و آشوب‌زده است.» با این حال، صدام حسین احتمال ورود به جنگ علیه ایران را رد کرد و در پاسخ به این سؤال که «شما با ایران در چند مورد اختلاف نظر دارید، شما خواهان سه جزیره‌ی واقع در تنگه‌ی هرمز هستید، ایران نسبت به بحرین ادعای ارضی دارد، آیا این می‌تواند برای عراق دلیل برای جنگ باشد؟» گفت: «تا این جا دیگر من پیش نمی‌روم، ما معتقدیم که رهبران تازه‌ی ایران نباید به سیاست شاه ادامه بدهند. اگر طالب دوستی با اعراب هستند، صاحبان تازه‌ی قدرت باید از زیان [وارد] آوردن به اعراب دست بردارند.»

صدام حسین، در پایان مصاحبه، ضمن این‌که بار دیگر امکان وقوع جنگ بین دو کشور را منتفی دانست، تلویحاً به تهدید ایران پرداخت. وی گفت: «هر کسی سعی کند به ما ضرر بزند ما هم به او ضرر می‌زنیم؛ هر کس که از دیوار باغ بالا برود، ما هم توی زمین او می‌رویم؛ هر کس نگهبان ما را بکشد، ما هم خود او و نگهبانش را می‌کشیم؛ هر کس به ما توهین کند، ما به او بیش‌تر توهین می‌کنیم.»

بر خلاف معاون رئیس‌جمهور عراق که همچنان بر مواضع نه‌چندان منطقی دولت عراق پافشاری می‌کرد در سوی دیگر، وزیر امور خارجه‌ی ایران روابط ایران و عراق را از دیدگاهی متفاوت بیان

آمده را آرام‌کنند. در این مصاحبه وی بر یکی از موارد حساسیت‌زا در روابط دو کشور انگشت نهاد و آشکارا اظهار کرد: «ما قصد صادر کردن انقلاب خود به کشورهای همسایه را نداریم.» یزدی با اشاره به این نکته‌ی اساسی که برخی نگرانی‌ها در نزد دولت‌های همسایه از انقلاب ایران به چشم می‌خورد گفت: «بعضی از آن‌ها تصور کردند که انقلاب ایران به آن کشورها صادر خواهد شد، ولی ما ثابت کردیم که ما قصد صادر کردن انقلاب خود را به کشورهای آن‌ها نداریم.»

آنچه بیان شد، شمایی از روابط دو کشور ایران و عراق بود که نکته‌ی بارز آن اتخاذ سیاستی دوگانه از سوی عراق در خصوص ایران و تلاش‌های مسالمت‌آمیز دولت ایران برای برقراری روابطی دوستانه با دولت عراق بر مبنای حسن‌هم‌جواری بود. در پایان این بخش، دو اظهار نظر متفاوت از دو مقام بلندپایه‌ی ایران و عراق خواهد آمد که نشان‌دهنده‌ی مواضع دو طرف در برابر یک‌دیگر است. صدام حسین معاون رئیس‌جمهوری عراق - که چند روز بعد جای‌گزین حسن البکر شد - در مصاحبه‌یی با

به رغم تحرکات و تجاوزهای
مرزی عراق علیه ایران، ابراهیم
یزدی، وزیر امور خارجه‌ی ایران
اظهار کرد: «ما قصد صادر کردن
انقلاب خود به کشورهای همسایه
را نداریم.»

مجله‌ی اشپیگل آلمان، مواضع رسمی دولت عراق در برابر ایران را اعلام کرد. در این مصاحبه نشانه‌هایی از تغییر در لحن دیپلماسی عراق به چشم می‌خورد. معاون رئیس‌جمهور عراق، جزایر سه‌گانه‌ی ایرانی را "سرزمین‌های غصب‌شده‌یی" خواند که ایران برای اثبات "صداقت سیاست خود درباره‌ی فلسطین و اعراب" باید از آن چشم‌پوشی کند. وی در خصوص روابط دو کشور با سخنانی دو پهلوی ابتدا تلاش‌های ایران را برای بهبود روابط با کشورهای عربی تأیید

یک روز پس از مصاحبه‌ی وزیر امور خارجه‌ی ایران، رخدادی مهم در عراق به وقوع پیوست که در آینده‌ی روابط ایران و عراق نقشی تعیین‌کننده داشت؛ در ۲۵ تیر ۱۳۵۸، ژنرال حسن البکر، ظاهراً به دلیل ضعف مزاج، از قدرت کناره‌گیری کرد و صدام حسین جانشین او شد. به قدرت رسیدن صدام حسین و تأثیرات این واقعه بر روابط ایران و عراق، فصل مفصلی است که نیاز به مقال و مجالی دیگر دارد.

۳. عوامل اثرگذار و چالش‌زا در روابط ایران و عراق

الف) بحران خوزستان (عراق در پی بهره‌گیری از فرصت) رویدادی که از آن به بحران خوزستان تعبیر می‌شود در واقع صف‌آرایی عده‌یی از عناصر قومی در برابر

نهادهای انقلابی بود که بیش‌تر در خرمشهر، در اطراف آیت‌الله شبیرخاقانی گرد آمده بودند و در اصطلاح "خلق عرب" نامیده می‌شدند. این گروه چند روز پس از پیروزی انقلاب، با اتکا به نفوذ شیخ شبیر، مقابل نهادهای انقلابی قد علم کردند. خواسته‌های آنان، از لحاظ نمودن برخی حقوق محلی برای اعراب تا خودمختاری و جدایی خوزستان از ایران در نوسان

بود. این جریان قومی برای دستیابی به اهداف خود به شیوه‌های خشونت‌آمیزی متوسل شدند که، حوادث تلخ فراوانی را به بار آورد و بیش از یک ماه خوزستان را به عرصه‌ی درگیری و نزاع تبدیل کرد.

نکته‌ی حائز اهمیت در این جا، ارتباط عراق با وقایع خوزستان است. در واقع می‌توان گفت بحران خوزستان همان وجهی فرصت‌گونه‌ی انقلاب ایران برای عراق بود. حکام عراق با بهره‌گیری از زمینه‌های

کرد. وی پس از دریافت استوارنامه‌ی احمد حسین السامرای، سفیر جدید عراق در ایران، در مصاحبه‌ی کوشید تا به همه‌ی شبهات و موارد مناقشه‌انگیزی که محافل رسمی و غیررسمی عراق مطرح می‌کردند، پاسخ دهد.

سخنان یزدی بازتابی از روش مصالحه‌جویانه و غیر رادیکال دولت موقت جمهوری اسلامی ایران بود. وی ابتدا به توافقات انجام شده میان ایران و عراق اشاره کرد و گفت:

بنا به پیشنهاد دولت عراق و پذیرش ما، قرار شده است که برای برطرف ساختن سوء تفاهماتی که به وجود آمده، در نخستین مرحله، حملات تبلیغاتی دو کشور نسبت به یکدیگر قطع شود. دولت عراق قول داده است از به کار بردن نام مجعول درباره‌ی خوزستان و سایر نقاط جلوگیری کند و ما نیز به قول و حسن نیت مقامات عراقی اعتماد داریم.

وزیر امور خارجه‌ی ایران، سپس موضوع صدور انقلاب اسلامی را - مهم‌ترین مسئله‌ی که دولت بعث عراق آشکار و نهان نگران آن بود - مطرح و با قاطعیت اظهار کرد: «انقلاب امری صادر شدنی نیست و دولت جمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه چنین هدفی را دنبال نمی‌کند.»

اوج حسن نیت دولت ایران در اظهار نظر یزدی درباره‌ی تجاوزات مکرر عراق به مرزهای ایران نمایان شد؛ وی درخصوص حملات مکرر هوایی‌های عراقی به خاک ایران، گفت:

«دولت عراق در خاک خود مانورهایی دارد و یا برخی سرزمین‌های مرزی خود را بمب‌باران می‌کند، در این شرایط امکان دارد که اشتباهاً برخی از نواحی مرزی ایران نیز مورد اصابت بمب قرار گیرد. در گذشته که چنین اتفاقی رخ داده، دولت عراق رسماً و کتباً ضمن پوزش خواهی، اعلام کرد که این واقعه به سهو رخ داده است و آمادگی خود را نیز برای جبران خسارات اعلام کرد.»

معاون رئیس‌جمهور عراق، جزایر سه‌گانه‌ی ایرانی را "سرزمین‌های غصب‌شده‌ی" خواند که ایران برای اثبات "صداقت سیاست خود درباره‌ی فلسطین و اعراب" باید از آن چشم‌پوشی کند

جمعی این کشور نیز با انتشار اخبار تحریک‌آمیز، در صدد تشجیع اعراب خوزستان بر آمدند. جالب توجه این که رسانه‌های مذکور بر عدم دخالت عراق در حوادث خوزستان پافشاری می‌کردند؛ به عنوان نمونه تلویزیون بصره، در تاریخ ۱۰ خرداد ۱۳۵۸، در بخش خبری ساعت ۱۱:۳۰ شب، اعلامیه‌یی از شیخ شبیر پنخس کرد که در آن انتقادات تندی به عملکرد دولت موقت شده بود، با این حال، گوینده‌ی تلویزیون با تأکید بسیار «دخالت و کمک دولت عراق را به اعراب خرمشهر تکذیب نمود.»

تکذیب دخالت‌های عراق در حوادث خوزستان در حالی انجام می‌گرفت که همچنان، مستندات بسیاری از دخالت‌ها، تحریکات و تحرکات عوامل عراقی در این وقایع به دست می‌آمد؛ که از جمله‌ی آن‌ها، می‌توان به کشف پول و سلاح عراقی در اهواز و نیز دخالت‌ها و تحریکات برادر صدام حسین، اشاره کرد. در این باره مدنی استاندار خوزستان، در تلفنگرامی به وزارت کشور متذکر شد: «برادر صدام حسین در مجلس ختمی به مناسبت اعدام خرابکار معروف، حامد زویدات که هفته‌ی گذشته به حکم دادگاه انقلاب خرمشهر و آبادان انجام شد و در بصره برگزار بود، شرکت جست و ضمن دلجویی از فرزندان و بستگان خرابکار معدوم، وعده‌های همه‌گونه هم‌کاری‌های انتقام‌جویانه و مساعدت لازم در این [راه] را داده است.»

تحرکات مرزی عراق در مرز این کشور با خوزستان ادامه یافت. این تحرکات می‌توانست ضمن برآوردن نیازهای تسلیحاتی خلق عرب، برای آن‌ها روحیه‌بخش نیز باشد. به همین منظور ناوچه‌های عراقی مانورهایی را در اروندرود اجرا کردند و عوامل عراقی نیز به شیوه‌های گوناگون به توزیع سلاح در میان خلق عرب پرداختند. همچنین، در روزهای ۱۴، ۱۵ و ۱۶ خرداد، مرزبانان عراقی به سوی پاسداران پاسگاه مرزی شلمچه و اداره‌ی بندر و نخلستان فعلیه آتش گشودند.

قومی در خوزستان کوشیدند تا با نفوذ میان‌عه‌یی از افراد ضد انقلاب به تحریک، تشویق و تسلیح آنان بپردازند.

واقعیت این است که خوزستان برای عراق اهمیتی ژئوپلیتیک داشت. خواسته حداکثری عراقی‌ها در مورد خوزستان، جدایی این استان از ایران و پیوستن آن به عراق بود، البته در صورتی که این خواسته برآورده نمی‌شد، واگذاری کل اروندرود به عراق نیز می‌توانست عاملی وسوسه‌انگیز برای این کشور در دامن زدن به بحران خوزستان باشد. انتساب کامل بروز بحران خوزستان به عامل خارجی (عراق) و نادیده گرفتن عوامل قومی و محلی ساده‌انگاری مسئله است، اما قبل از آن که بحران در خوزستان اوج

گیرد و برای دولت مرکزی ایران تبدیل به مسئله‌یی جدی شود، گزارش‌هایی از خرمشهر ارسال می‌شد که رد پای دولت عراق را در تحریک، تشویق و تسلیح گروه "خلق عرب" نشان می‌داد. با اوج‌گیری بحران و تشدید درگیری‌ها که بیش‌تر میان جریان قومی خلق عرب و گروه‌های مذهبی - انقلابی خوزستان صورت می‌گرفت، دخالت‌های عراق در امور خوزستان بیش از

پیش آشکار می‌شد. این امر در نهم خرداد ۱۳۵۸، که درگیری‌های شدیدی در خرمشهر رخ داد به اثبات رسید؛ در این روز تعداد فراوانی سرباز عراقی مقابل مرز خرمشهر، روبه‌روی پاسگاه مرزی پیاده شدند و ۴ هلی‌کوپتر عراقی بر فراز پایگاه‌های مرزی گروهان ژاندارمری خسروآباد به پرواز درآمدند. همچنین بعد از ظهر ۱۰ خرداد، عراق دو پاسگاه ژاندارمری هرته و خین را گلوله‌باران کرد.

هم‌زمان با تحرکات نظامی عراق، رسانه‌های

رویدادی که از آن به بحران خوزستان تعبیر می‌شود در واقع صف‌آرایی عده‌یی از عناصر قومی در برابر نهادهای انقلابی بود که بیش‌تر در خرمشهر، در اطراف آیت‌الله شبیر خاقانی گرد آمده بودند و در اصطلاح "خلق عرب" نامیده می‌شدند

قومی که ما را به ملت عرب "عربستان" پیوند می‌دهد، دیدگاه‌های ویژه‌ی درباره‌ی مسئله‌ی اقلیت‌ها در چارچوب ملت واحد داریم و بالفعل آن را به مرحله‌ی اجرا گذارده‌ایم.»

برخی معتقدند مطالب الثورة، ارگان رسمی حزب بعث عراق، «صریح‌ترین اعلام مواضع و علنی‌ترین ابراز مطامع رژیم عراق» بود که از پیروزی انقلاب اسلامی تا آن زمان ابراز می‌شد. چند روز بعد از انتشار مقاله‌ی الثورة، تلویزیون دولتی بغداد، تحلیلی از اوضاع ایران پخش کرد که در قسمتی از آن گفته شد: «رزمندگان جوان عرب ایران، یک انبار مهمات را در پایگاه دریایی محمره [خرمشهر] منفجر کرده و سلامت به پایگاه‌های خود بازگشتند.»

با وجود ادامه‌ی تحرکات و تجاوزات مرزی عراق و اقدام این کشور به تسلیح و تجهیز عناصر خلق عرب، چندین محموله اسلحه‌ی عراقی هنگام ورود به ایران توقیف و ۶ جاسوس عراقی نیز دست‌گیر شدند و خیلی زود سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ابتکار عمل را در خوزستان به دست گرفت. شیخ شبیر نیز از خرمشهر خارج شد و در قم اقامت

گزیید. بنابراین، آخرین تلاش‌های عراق از جمله حملات موشکی (آر.پی.جی ۷) به پاسگاه مؤمنی نیز راه به جایی نبرد.

ب) بحران کردستان (تیغ دولبه در روابط ایران و عراق)
در طول تاریخ، همواره کردستان جزئی از قلمرو حکومت‌های ایرانی به شمار می‌رفته و گردها از اصیل‌ترین اقوام ایرانی هستند، اما در برخی برهه‌های تاریخی، بعضی نارضایتی‌های سیاسی و اجتماعی

در حالی که نمایندگان رسمی دولت عراق در محافل دیپلماتیک و نیز رسانه‌های این کشور می‌کوشیدند دخالت‌های خود در امور خوزستان را انکار کنند، مردم خوزستان، با برپایی یک راه‌پیمایی بزرگ در ۱۹ خرداد ۱۳۵۸، به دخالت‌های دولت عراق در امور داخلی ایران به ویژه مسئله‌ی خوزستان اعتراض کردند و با سر دادن شعارهایی که به زبان‌های فارسی و عربی "غائله‌ی خوزستان را توطئه‌ی عراق و ساواک" خواندند. در پایان راه‌پیمایی قطعنامه‌ی قرائت و در آن تجاوزات و کارشکنی‌های دولت عراق در امور خوزستان و نیز گردستان به شدت محکوم شد.

در این میان، روزنامه‌ی الثورة، در ۲۴ خرداد ۱۳۵۸، با درج مقاله‌ی درباره‌ی حوادث خوزستان - که بخشی از آن از رادیو صوت الجماهیر نیز پخش شد - عراق را "مدعی اصلی مسئله‌ی خوزستان" دانست و مواضع تندى علیه رهبران ایران گرفت. در بخشی از این مقاله آمده بود:

[...] هنگامی که انقلاب ایران صورت گرفت، طبیعی بود که تمام ملل ایران که در خلال دوران شاه مورد ستم قرار گرفته بودند، قیام کنند و خواستار آزادی شوند. [...] آنچه اعراب در "عربستان" خواستار شدند، از حقوق فرهنگی و اداری تجاوز نکرده است و بسیار کم‌تر از آن بود که سایر اقلیت‌ها خواستار شدند. روش‌های آنها در بازگو کردن خواسته‌های خود مسالمت‌آمیز بود در حالی که دیگران اسلحه به دست گرفتند و عصیان کردند، ولی شگفت‌آور این‌که مقامات ایرانی خواسته‌های ساده و مشروع اعراب و همچنین روش‌های مسالمت‌آمیز آنها را با خشونت و حمام خون و تعصب نژادی و برافروختگی پاسخ دادند و صدها تن را کشته و مجروح ساختند. [...] طبیعی است که عراق از نظر فکری و سیاسی با ملت عرب "عربستان" هم‌دردی کند؛ آنها برادران و صاحبان مسئله‌ی عادلانه‌ی هستند و در معرض خشونت و ظلم قرار دارند. [...] اضافه بر رابطه‌ی

خوزستان برای عراق اهمیتی
ژئوپلتیک داشت. خواسته
حداکثری عراقی‌ها در مورد
خوزستان، جدایی این استان از
ایران و پیوستن آن به عراق بود

مرکزی که زائیده برهه انقلابی بود، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی تحرکاتی را در مناطق مختلف کردستان آغاز کردند. سرآغاز بحران کردستان محاصره‌ی پادگان مهاباد در ۲۴ بهمن ۱۳۵۷ به دست نیروهای مسلح حزب دمکرات بود. با وجود اعزام سریع هیئتی از طرف دولت برای مذاکره با سران کرد، روز اول اسفند ۱۳۵۷، این پادگان سقوط کرد و بحران وارد مرحله‌ی تازه‌ی شد. چند روز بعد از این واقعه، اوضاع در سنجند نیز بحرانی شد که با دخالت ارتش و مذاکراتی که هیئت اعزامی دولت با مقامات محلی انجام دادند، تا حد زیادی از تشدید آن جلوگیری شد، اما بحران کلی مناطق کردنشین همچنان باقی بود.

بحران کردستان حداقل از دو جنبه در روابط ایران و عراق اثرگذار بود: ۱. ایجاد زمینه برای دخالت عراق به منظور تضعیف دولت مرکزی ایران جهت ستاندن امتیاز. ۲. ارتباط مسئله‌ی کردستان ایران با کردهای عراق.

در ادامه به تشریح این دو نکته و تأثیر آن‌ها بر سیر روابط ایران و عراق از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا سقوط حسن البکر پرداخته خواهد شد.

واقعیت این است که دخالت عراق در بحران کردستان به شکلی که در مورد خوزستان بیان شد، انجام نگرفت. دولت عراق به حساسیت موضوع کردستان واقف بود، از این رو می‌کوشید تا آشکارا از کردهای ایران حمایت نکند و حمایت و تجهیز آنان را به شکل کنترل‌شده‌تری انجام می‌داد. زیرا، قدرت یافتن کردهای ایران در بلندمدت نه تنها به نفع عراق نبود، بلکه خیلی زود برای دولت این کشور - و شاید دولت‌های ترکیه و سوریه - مشکل‌ساز می‌شد. حمایت عراق از کردهای ایران در قالب همان حمایت‌هایی بود که این دولت از دیگر عناصر ضد انقلاب نظیر اویسی، بختیار، پالیزبان و ... انجام می‌داد. کمک‌ها و پشتیبانی‌هایی که با قاطعیت از سوی مقامات رسمی

زمینه‌ی ایجاد بحران‌هایی را در این منطقه فراهم آورده و زمزمه‌هایی از خودمختاری و جدایی طلبی مطرح شده است. دوران گذار پس از سقوط رضاشاه که با حضور نیروهای بیگانه در خاک ایران همراه بود، از جمله دوره‌هایی است که چنین وضعیتی را بر کردستان حاکم کرد. در بحبوحه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط حکومت پهلوی نیز بار دیگر زمزمه‌های تجزیه‌ی کردستان تکرار شد.

با اوج‌گیری جریان انقلاب و هم‌زمان با تضعیف قدرت حکومت مرکزی در اواخر عمر حکومت پهلوی، اعضای گروه‌های سیاسی گوناگون، که تا قبل از این، در خارج از کشور یا در زندان به سر می‌بردند،

با اهداف مختلفی چون ایجاد جامعه‌ی سوسیالیستی، تشکیل کردستان بزرگ، خودمختاری کردستان و نیز با انگیزه‌هایی از قبیل قدرت‌طلبی سیاسی و شخصیتی، به تدریج به کردستان بازگشتند و با کمک گروه‌های سیاسی غیر بومی فعالیت خود را از سر گرفتند. عمده‌ترین گروه‌ها و جریان‌های فعال در کردستان هم‌زمان با نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب

اسلامی عبارت بودند از: ۱. حزب دمکرات کردستان ۲. کومه‌له (سازمان انقلابی زحمت‌کشان کردستان). ۳. چریک‌های فدایی خلق ۴. حزب توده و دیگر گروه‌های چپ‌گرا. ۵. برخی رهبران مذهبی محلی مانند عزالدین حسینی و احمد مفتی‌زاده.

این گروه‌ها و جریان‌ها با بهره‌گیری از نارضایتی‌های اجتماعی - سیاسی که نتیجه‌ی سیاست‌های تبعیضی حکومت مرکزی در دوران پهلوی بود و نیز با استفاده از ضعف دولت نو پای

**سرآغاز بحران کردستان
محاصره‌ی پادگان مهاباد در ۲۴
بهمن ۱۳۵۷ به دست نیروهای
مسلح حزب دمکرات بود. با
وجود اعزام سریع هیئتی از طرف
دولت برای مذاکره با سران کرد،
روز اول اسفند ۱۳۵۷، این پادگان
سقوط کرد**

از تهدیدهای بالقوه برای حکومت عراق به شمار می‌رفتند. به ویژه که دولت بعث عراق خیلی زود، توافقات انجام شده بین عبدالکریم قاسم و کردها را که ضمن آن امتیازاتی در حد خودمختاری به اکراد عراقی اعطا شده بود، نادیده انگاشت.

با پیروزی انقلاب اسلامی و در پی آن برخاستن زمزمه‌های خودمختاری کردهای ایران، بحران کردستان هم به مثابه‌ی فرصتی مغتنم و هم به منزله‌ی تهدیدی جدی برای دولت عراق مطرح شد؛ این امر از یک سو برای عراق یک فرصت محسوب می‌شد، چراکه دولت مرکزی ایران درگیر بحرانی داخلی می‌شد و توان و تمرکز آن در مرزها تحلیل می‌رفت

و از سوی دیگر تهدید به حساب می‌آمد زیرا مسئله‌ی کردها و کردستان مسئله‌ی مشترک میان چهار کشور ایران، عراق، ترکیه و سوریه به شمار می‌رفت که در این میان به دلیل میزان جمعیت، وسعت سرزمین و اهمیت مناطق کردنشین، عراق بیش از دو کشور سوریه و ترکیه خود را در معرض خطر خودمختاری اقوام کرد احساس می‌کرد.

در میان اعتراضات و آشوب‌ها در کردستان ایران، اتفاقی افتاد که در پی آن جنبه‌ی تهدیدآمیز خودمختاری کردها برای دولت عراق بیش از پیش اهمیت یافت. در سوم اسفند ۱۳۵۷، جلال طالبانی، رهبر اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق، تلگرامی خطاب به امام خمینی^(ره) فرستاد. در این تلگرام، طالبانی، ضمن تبریک پیروزی انقلاب اسلامی آمادگی خود را با تمام قوا و توانایی انقلاب کردستان عراق برای هر نوع هم‌رزمی و هم‌کاری [با انقلاب

عراق تکذیب می‌شد. نکته‌ی جالب توجه این است که دولت ایران با حسن نظر به دخالت‌ها و تحریکات عراق در امور کردستان می‌نگریست به گونه‌یی که یکی از مقامات ایرانی در این باره گفت: «مسئله‌یی که مورد توجه دولت ایران است، امکان مداخله‌ی دولت عراق در مسئله‌ی کردستان برای جلوگیری از به پا خاستن اکراد عراق است.»

به هر حال دولت عراق ضمن این‌که بحران کردستان را نیز به مثابه خوزستان فرصتی برای مداخله در امور ایران برای ستاندن امتیاز به شمار می‌آورد، می‌کوشید با حمایت از عناصر ضد انقلاب در مرز کردستان نبض تحولات این منطقه را در دست داشته باشد. در مسئله کردستان، حاکمان عراق تلاش می‌کردند، تا ضمن اینکه به مقصود اولیه خویش در خصوص تضعیف دولت مرکزی ایران نایل می‌گردیدند - و امیدوار بودند به عنوان اهرم فشار از آن استفاده نمایند - با کنترل اوضاع، مانع از مشکل‌ساز شدن بحران کردستان برای دولت عراق شوند. بنابراین، افرادی را که بر ضد حکومت مرکزی ایران فعالیت می‌کردند در مرز این کشور با کردستان ایران مستقر و از آن‌ها حمایت کردند و از طریق آنان به مداخله در امور کردستان پرداختند. روزنامه‌ی اطلاعات در گزارشی در این باره نوشته است: «سپهد پالیزبان به همراه سرهنگ ایوبی در کوت سورین واقع بین دزلی و نوسود [مستقر شده‌اند]، همچنین سرتیپ نصرتی در سیدصادق و ساواکی‌های فراری مناطق قصرشیرین، کرمانشاه، سنندج، مریوان، سقر، بانه، سردشت و مهاباد از منطقه‌ی مرزی مریوان به عراق رفته‌اند و در یک محل اجتماع کرده‌اند.»

با این همه، مهم‌ترین جنبه اهمیت مسئله‌ی کردستان در روابط ایران و عراق پیوستگی آن با مسئله‌ی کردستان عراق بود. کردهای عراق که اقلیتی قابل توجه در این کشور بودند و سابقه‌ی نسبتاً طولانی در منازعه با دولت مرکزی داشتند، یکی

دولت عراق ضمن اینکه اقداماتی برای جلب رضایت گروه‌های کرد عراقی صورت می‌داد تحریکات و تحرکات عمده‌ی نیز در مورد کردستان ایران به اجرا درآورد که از عمده‌ترین آن‌ها می‌توان به حمایت از گروه‌های ضد انقلاب در قالب تجاوزات هوایی و نیز انجام دادن پروازهایی برای تهدید و شناسایی اشاره کرد

گردستان بود؛ دولت موقت ایران در مقابله با وقایع گردستان به اقدام نظامی متوسل نشد و از همان آغاز اعتراض‌ها و آشوب‌ها- که با محاصره‌ی پادگان مهاباد شروع شد- هیئتی را به منظور بررسی مسائل گردستان به این شهر فرستاد و با سران گرد به مذاکره پرداخت. در طول این مذاکرات، اعضای هیئت اعزامی دولت با خواسته‌های رهبران کرد که خواستار تعیین سرنوشت گردستان به صورت فدراتیو در چارچوب کشور ایران بودند، موافقت و حمایت خود را از عزالدین حسینی به عنوان نماینده‌ی خلق گرد در مذاکره با دولت مرکزی، اعلام کردند. حساسیت چنین رویکردی از سوی دولت موقت در مورد بحران گردستان، برای عراق به حدی حساس بود که دولت این کشور مذاکرات خود را با اتحادیه‌ی میهنی گردستان عراق از سر گرفت. روزنامه‌ی کیهان در این باره به نقل از «یک مقام موثق گرد، نوشت: «دولت عراق با نمایندگان اتحادیه‌ی میهنی گردستان عراق به رهبری جلال طالبانی وارد مذاکره شده است. مذاکرات نمایندگان کردها و حکومت مرکزی عراق بر سر مسائلی است که در عهدنامه‌ی خودمختاری گردستان عراق رعایت نشده است.» این روزنامه افزود: «ناظران سیاسی تغییر موضع عراق و حاضر شدن این دولت به مذاکره با کردها را ناشی از حوادث بعد از انقلاب [ایران] می‌دانند و معتقدند که دولت عراق احساس می‌کند آیت‌الله خمینی و دولت موقت ایران با مسئله‌ی کردهای ایران با نظر مساعدی رو به رو شده‌اند.» در حالی چنین برداشتی از اقدام ایران در مورد کردها می‌شد که مهندس بازرگان رئیس دولت موقت ایران، خودمختاری کردها را تنها در محدوده‌ی "داشتن اختیار و مسئول بودن در امور محلی" پذیرفتنی می‌دانست و تأکید داشت: «اگر منظور [از خودمختاری] تجزیه‌طلبی و از بین رفتن وحدت کشور است به هیچ وجه قابل قبول نیست.» با وجود این، دولت عراق ضمن اینکه اقداماتی

اسلامی را [اعلام داشته بود]. هر چند از طرف امام پاسخی به این تلگرام داده نشد و حتی چندی بعد سفیر ایران در عراق رسماً عدم حمایت دولت ایران از جنبش گردستان عراق را اعلام داشت، این اقدام جلال طالبانی، هرگز برای دولت عراق خوشایند نبود و حاکمان این کشور آن را تهدیدی جدی پنداشتند. شاید اولین تجاوز مرزی عراق علیه ایران که چند روز بعد از تلگرام طالبانی به امام در هشتم اسفند ۱۳۵۷، رخ داد، بی‌ارتباط با این واقعه نبوده باشد. علاوه بر اتحادیه‌ی میهنی گردستان عراق، حزب دمکرات گردستان این کشور (قیاده موقت - بارزانی‌ها) نیز به وقوع انقلاب اسلامی در ایران، با نگاهی مثبت و سازنده می‌نگریست؛ طوری که یک سخن‌گوی این حزب در خصوص انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی^(ره)، چنین گفت: «سرنوشت شوم محمدرضا پهلوی مزدور بیگانه در انتظار بعثی‌ها نیز می‌باشد. رهبری امام خمینی که عامل پیروزی انقلاب اسلامی ایران است همچون شمع فروزانی فرا راه مبارزات کردها و عرب‌ها بوده و حزب دمکرات ضمن پشتیبانی قاطع از انقلاب ایران از دسیسه‌های امپریالیسم و صهیونیسم ابراز تنفر نموده است.» بدیهی است اقداماتی از این قبیل که نشان‌دهنده‌ی اقبال کردهای عراق به انقلاب اسلامی و تلاش برای برقراری روابط با دولت جدید ایران بود به هیچ وجه خوشایند دولت عراق نبود. اما موضوعی که بیش از همه موجب می‌شد دولت عراق از ناحیه‌ی کردها احساس خطر کند، روش مسالمت‌آمیز دولت ایران در مقابله با بحران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران اولین نشانه‌ی اقبال شیعیان عراق به انقلاب اسلامی، در نامه‌ی تبریک آیت‌الله صدر به امام خمینی (ره) به مناسبت پیروزی انقلاب، نمایان شد

مانند مریوان و پاوه تشدید شد، اما برخی اقدامات ایران برای حل، رفع و تجدید دامنه‌ی بحران و نیز نگرانی‌های عراق از سرایت بحران کردستان ایران به مرزهای این کشور، تا حدودی از حساسیت مسئله‌ی کردستان در قالب مقوله‌ی چالش‌زا در روابط ایران و عراق کاست. همچنین در عراق با روی کارآمدن صدام حسین، تغییر و تحولاتی رخ داد و در نتیجه مسیر مناسبات دو کشور تغییر کرد و دوره‌ی جدید در روابط آن‌ها آغاز شد که از حوزه‌ی زمانی این پژوهش خارج است.

ج) مسئله‌ی شیعیان عراق (واهمه‌ی عراق از وقوع انقلاب اسلامی در این کشور)

همان‌گونه که گذشت، حاکمان بعثی عراق وقوع انقلاب اسلامی ایران را که آشکارا ایدئولوژی مبارزاتی خود را از آموزه‌های تشیع برگرفته بود و رهبری آن را یک مجتهد شیعه برعهده داشت، تهدیدی جدی به شمار آوردند.

این تهدید حداقل از دو جهت مطرح می‌شد اول این‌که نظام جای‌گزین نظام شاهنشاهی ایران، نظامی

کاملاً دینی بود و خواسته‌ی آن یعنی، پیوند دیانت و سیاست درست در نقطه‌ی مقابل ایدئولوژی حزب بعث عراق یعنی، جدایی دین از سیاست قرار داشت. دلیل دوم که ملموس‌تر و عینی‌تر از مورد نخست بود، مسئله‌ی شیعیان عراق بود، هر چند آمارهای دولتی عراق جمعیت شیعیان این کشور را ۵۵ درصد اعلام می‌کند، اما اکثر مطلعین بر این باورند که رقم واقعی جمعیت شیعه در عراق رقم ۶۵ درصد است. علاوه بر عامل جمعیتی، وجود اماکن

برای جلب رضایت گروه‌های کُرد عراقی صورت می‌داد تحریکات و تحرکات عمده‌ی نیز در مورد کردستان ایران به اجرا درآمد که از عمده‌ترین آن‌ها می‌توان به حمایت از گروه‌های ضد انقلاب در قالب تجاوزات هوایی و نیز انجام دادن پروازهایی برای تهدید و شناسایی اشاره کرد: در همین راستا، در ۱۹ خرداد ۱۳۵۸، دو هواپیمای عراقی، از طریق مرز هوایی اورامانات وارد فضای ایران شدند و تا ۹۰ کیلومتری خاک ایران (منطقه‌ی جوانرود) پیش رفتند. همچنین در ۹ تیر ۱۳۵۸، چند هواپیمای عراقی به حریم هوایی ایران تجاوز کرده و بر فراز شهر مریوان به پرواز درآمدند. هر چند ایران به این قبیل اقدامات عراق که با اهداف چندگانه‌ای از جمله تعقیب کردهای عراقی در خاک ایران، انجام دادن شناسایی و مهم‌تر از همه، قدرت‌نمایی و سنجش توان دفاعی ایران انجام می‌گرفت - آن‌گونه که باید پاسخ نمی‌داد، ارتش ایران اجرای برخی مانورها و اقدامات نظامی که نشان‌گر آمادگی دفاعی ایران بود، به اجرا می‌گذاشت. برای نمونه، در ۲۹ خرداد ۱۳۵۸، چهار هواپیمای فانتوم اف ۵ و تعدادی هلی‌کوپتر ارتش ایران بر فراز شهر کرمانشاه و برخی نواحی مرزی ایران در غرب کشور به پرواز درآمد، مانوری هوایی اجرا کردند. سرلشکر ناصر فرید، رئیس ستاد ارتش ایران، درباره‌ی این مانور هوایی گفت: پرواز هواپیماهای ارتش جمهوری اسلامی ایران برای این بود که به ملت پاسخ داده شود که ایران آمادگی لازم را برای هر نوع عمل متقابل دارد و عراق هم بداند که علی‌الاصول ملت ایران و ارتش ایران با هم‌بستگی کامل آمادگی دارند با هرگونه فعالیت‌های ضد انقلابی در داخل و خارج مبارزه کنند.

در دوره‌ی زمانی مورد مطالعه در پژوهش حاضر، مسئله‌ی کردستان به طور کامل حل نشد و همان‌گونه که اشاره شد در سال‌های بعد نیز با برخی نوسانات ادامه یافت و حتی در بعضی مناطق

درگیری‌ها و تظاهرات‌ها در عراق زمانی به اوج خود رسید که خبر دست‌گیری، آیت‌الله محمدباقر صدر، رهبر شیعیان این کشور، انتشار یافت

بنابراین، رهبر شیعیان عراق از تصمیم خود مبنی بر ترک عراق، صرف‌نظر کرد. ادامه‌ی حضور و فعالیت وی در عراق حوادثی را در پی آورد که از بُعد تأثیر مسئله‌ی شیعیان عراق در روابط ایران با این کشور حائز اهمیت فراوانی است. پس از این واقعه، شیعیان تظاهرات‌های وسیعی در عراق بر پا کردند که اوضاع این کشور را بحرانی کرد. سرآغاز جدی تظاهرات‌ها ۱۶ خرداد ۱۳۵۸ بود. روزنامه کیهان در شماره‌ی مورخ ۱۷ خرداد ۱۳۵۸، درباره‌ی این وقایع نوشته است:

دیروز اوضاع عراق به شدت متشنج شد و تظاهرات دامنه‌داری در اعتراض به روش خصمانه‌ی دولت بعثی عراق در مقابل نهضت بالنده و رشدیابنده‌ی اسلام در منطقه و بمباران دهکده‌های ایران صورت گرفت و در شهرهای نجف، کاظمین و کوفه و سایر شهرستان‌ها مردم به خیابان‌ها ریختند و به طرف‌داری از حکومت قرآن و ارزش‌های اسلامی و اعتراض به شیوه‌ی رژیم حاکم بر عراق شعار می‌دادند.

به دنبال این تظاهرات‌ها، اوضاع عراق به حدی متشنج شد که برخی ناظران سیاسی تحولات داخلی عراق را شبیه به اوضاع ایران مقارن آخرین روزهای عمر حکومت پهلوی توصیف کردند.

درگیری‌ها و تظاهرات‌ها در عراق زمانی به اوج خود رسید که خبر دست‌گیری آیت‌الله محمدباقر صدر، رهبر شیعیان این کشور، انتشار یافت. ماجرای دست‌گیری آیت‌الله صدر از این قرار بود که «هزاران زن و مرد مسلمان عراقی جهت اعلام پشتیبانی از سید محمدباقر صدر راهی نجف اشرف شده و دست به راه‌پیمایی زدند. راه‌پیمایان پس از حرکت در خیابان‌ها عازم منزل رهبر شیعیان عراق شده و پس از شنیدن سخن‌رانی ایشان و استیضاح حکومت بعث، متفرق می‌شوند.» پس از این واقعه نیروهای امنیتی منزل آیت‌الله صدر را محاصره می‌کنند و آیت‌الله صدر به نشانه‌ی اعتراض، اقدام به تحصن

مقدس متعدد شیعیان و حوزه‌ی علمیه‌ی نجف و نیز حضور علما و مراجع بزرگ شیعی و... در عراق، موضوع شیعیان این کشور را به چالشی جدی برای حاکمان عراق تبدیل می‌کرد به ویژه اینکه شیعیان در ساختار حکومت عراق از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جایگاهی درخور نداشتند و سخت‌گیری‌ها و فشارهای بسیاری بر آن‌ها وارد می‌شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران اولین نشانه‌ی اقبال شیعیان عراق به انقلاب اسلامی، در نامه‌ی تبریک آیت‌الله صدر به امام خمینی^(۵) به مناسبت پیروزی انقلاب، نمایان شد. در این نامه، آیت‌الله صدر آرزو کرده بود: پیروزی نهضت مقدس اسلامی به رهبری آیت‌الله خمینی طلیعه‌ی پیروزی‌های متوالی و متعاقب در جهان اسلام باشد. پس از انتشار این پیام، طولی نکشید که دولت عراق تلاش‌های خود را برای جلوگیری از آنچه خطر انقلاب ایران می‌پنداشت، آغاز کرد. بارزترین تلاش دولت بعث عراق در این خصوص تحت فشار قرار دادن آیت‌الله صدر رهبر شیعیان این کشور بود، این فشارها آن قدر ادامه یافت که وی تصمیم گرفت از عراق خارج شود.

در پی انتشار خبر تصمیم آیت‌الله صدر مبنی بر ترک عراق، امام خمینی^(۶) در تلگرافی از وی خواست در تصمیم خویش تجدید نظر کند در این تلگراف آمده بود: «از قرار مسموع جناب‌عالی به واسطه‌ی بعض پیشامدها خیال هجرت از عراق دارید. این جانب از این امر نگران هستم. هجرت جناب‌عالی را از نجف اشرف مرکز علوم اسلامی صلاح نمی‌دانم.» آیت‌الله صدر در پاسخ، پیام امام را «بازگوکننده‌ی عنایت پدرانه و توجهات عطفانه‌ی آن رهبر عزیز به این ملت مسلمان و به حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف» خواند و اظهار کرد: «من از توجهات حکیمانه‌ی آن جناب نیرو گرفته، احساس می‌کنم مسئولیت خطیر نگهبانی این دستگاه علمی و اسلامی و حمایت از رسالت سنگین را به دوش دارم.»

هر چند دولت عراق بنا به ملاحظات ادامه‌ی بازداشت آیت‌الله صدر را مصلحت ندانسته و وی را آزاد کرد، اما این اقدام به هیچ وجه به معنای توقف تلاش‌های این دولت در مقابله با شیعیان نبود. چراکه نه تنها سایر بازداشت‌شدگان، که بیش‌تر آن‌ها از روحانیون و علمای برجسته‌ی عراقی بودند، همچنان در بازداشت باقی ماندند، بلکه میزان بازداشت‌ها افزایش یافت. در این باره، جمعیت حرکت انقلاب اسلامی عراق در قم اطلاع داد: تعداد بازداشت‌شدگان به دست دولت بعثی عراق، رو به ازدیاد است و تاکنون به ۳ هزار نفر رسیده است.

می‌کند تا این‌که روز ۲۲ خرداد، رئیس سازمان امنیت عراق به همراه ۲۰۰ فرد مسلح به منزل وی حمله برده، او را دست‌گیر می‌کنند.

دست‌گیری رهبر شیعیان عراق، واکنش‌های فراوانی را در ایران و عراق در پی داشت. علما و روحانیون به شدت به این اقدام دولت عراق اعتراض کردند. «بازار اکثر شهرهای عراق به حال تعطیل درآمد و در نجف اشرف، کربلا، بصره، شامیه، شطره و دیگر نقاط عراق تظاهرات خشونت‌آمیزی به وقوع پیوست که صدها هزار مسلمان عراقی در آن شرکت داشتند. پلیس عراق در این تظاهرات به سوی مردم تیراندازی کرد و تعداد زیادی از مردم کشته و زخمی شدند.» در پی چنین وضعیتی و گویا به توصیه مقامات سوریه دولت عراق یک روز پس از دست‌گیری آیت‌الله صدر، وی را آزاد کرد.

امام خمینی (ره) پس از آزادی آیت‌الله صدر پیامی خطاب به ایشان مخابره کردند. در پیام امام آمده بود: پیشامدهای اخیر یکی پس از دیگری موجب تأسف است. انتظار آن نبود که با جناب‌عالی، شخصیت علمی و اسلامی، چنین رفتار شود. چنانچه انتظار نبود و نیست که مأمورین دولت عراق در سرحدات رفتاری کنند که مخالف حُسن هم‌جواری است. ملت ایران که با نهضت اسلامی خود امید دارد دست اجانب را از جمیع ممالک اسلامی کوتاه کند و استقلال را به آن‌ها برگرداند، همچنین انتظار دارد که همان نحو که ملت‌ها با نهضت عظیم اسلامی ایران موافق و پشتیبان آن هستند، دولت‌ها نیز پشتیبان آن باشند. حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف، که در خدمت اسلام و مسلمین است، در طول تاریخ حافظ استقلال عراق بلکه سایر کشورهای اسلامی بوده است، انتظار ندارد که مورد اهانت واقع شود و یکی از شاخص‌ترین بزرگان آن، مورد تهاجم واقع شود. من به دولت عراق نصیحت می‌کنم که این دژ محکم را که حافظ کبان [و] مصالح کشور است حفظ کند. این نصیحتی بود که من در دوران گذشته به شاه مخلوع و دولت ایران کردم.

اقدامات دولت عراق در مقابله با شیعیان کاملاً بر اساس احساس خطری بود که دولت‌مردان این کشور از تکرار واقعه‌ی نظیر انقلاب اسلامی ایران در این کشور داشتند. این اقدامات در حالی انجام می‌گرفت که مقامات دولت موقت ایران (به عنوان نهاد رسمی قدرت در ایران) بارها اعلام کرده بودند که ایران قصد صدور انقلاب را ندارد. همچنین امام خمینی به

اقدامات دولت عراق در مقابله با شیعیان کاملاً بر اساس احساس خطری بود که دولت‌مردان این کشور از تکرار واقعه‌ی نظیر انقلاب اسلامی ایران در این کشور داشتند

عنوان رهبر انقلاب اسلامی، نه اعتقادی به "صدور مکانیکی" انقلاب داشت و نه طرحی برای آن. در مورد انقلاب ایران، آنچه عینیت یافته بود اقبال مردم عراق به ویژه شیعیان این کشور به انقلاب اسلامی و الگوپذیری آنان از این انقلاب بود. امری که هیچ مقام رسمی، قدرت جلوگیری از آن را ندارد و در واقع امری غیرقابل جلوگیری و کنترل است. اما، سران حزب بعث عراق با توجه به پتانسیل‌های موجود در این کشور و نیز شباهت‌های فراوان بافت اجتماعی و ساختار قدرت عراق با جامعه و حکومت ایران قبل از انقلاب، از وقوع انقلابی نظیر انقلاب

عباس خاتم، عضو هیئت استفتائیه‌ی امام خمینی^(ره) در نجف و تعداد فراوانی از طلاب و جوانان مذهبی عراق بازداشت و پس از چند روز به همراه یک گروه ۱۶ نفری از طلاب و علمای حوزه‌ی علمیه نجف از این کشور اخراج شد. ۷ تن از علمای عراق که از وکلای آیت‌الله صدر بودند، محاکمه و به اعدام محکوم شدند. آیت‌الله صدر در منزل خود تحت نظر قرار گرفت و امکان ارتباط با بیرون از وی سلب شد. اما مسئله‌ی شیعیان عراق هیچ‌گاه با این اقدامات حل نشد و حتی وقایع بعدی، نظیر اعدام آیت‌الله صدر، نیز - که پرداختن به آن از حوصله‌ی زمانی این نوشتار خارج است - نقطه‌ی پایانی بر این واقعه نگذاشت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه بیان شد، روابط ایران و عراق در بازه‌ی زمانی میان پیروزی انقلاب اسلامی تا کناره‌گیری حسن البکر، براساس استراتژی تعیین‌شده توسط عراق شکل می‌گیرد. به عبارت بهتر، در این دوره ابتکار عمل در روابط سیاسی دو کشور در دست عراق است. بنابراین، تصمیم‌گیران سیاست خارجی عراق بر اساس دو دیدگاه متضاد در مورد انقلاب ایران، روابط سیاسی خود را با ایران، پس از وقوع انقلاب را پی‌ریزی می‌کنند. بر اساس دیدگاه نخست، انقلاب ایران فرصتی است برای عراق تا در روابط خود با آن کشور تجدید نظری اساسی صورت دهد. اما دیدگاه دوم که بر ماهیت دینی انقلاب ایران و تحولات داخلی عراق به ویژه مسئله‌ی شیعیان این کشور نظر دارد، انقلاب ایران را تهدیدی برای حاکمیت حکومت بعث به شمار می‌آورد.

بنابراین دولت عراق سیاست خارجی خود درباره‌ی ایران را بر مبنای روشی دوگانه بنا نهاد. این دولت ضمن اینکه در عرصه‌ی دیپلماسی ژستی دوستانه به خود گرفت و مناسبات مرسوم در این زمینه را به جای آورد ولی در میدان عمل روش دیگری در

اسلامی ایران در این کشور نگران بودند. به همین دلیل، ضمن اینکه تحت فشار قرار دادن علمای عراقی، منزل امام در نجف را محاصره و آیت‌الله رضوانی نماینده‌ی ایشان در عراق، دست‌گیر کردند. البته این اقدامات بر وخامت اوضاع عراق افزود؛ پس از این وقایع روزنامه‌ی کیهان در گزارشی از اوضاع عراق نوشت: «تظاهرات تقریباً سراسر عراق را فراگرفته است و مأمورین مسلح عراقی در نقاط مختلف با تظاهرکنندگان درگیری پیدا کرده‌اند که در نتیجه تعدادی کشته و گروهی زخمی و دست‌گیر شده‌اند.»

دولت عراق که به شدت

نگران گسترش دامنه‌ی اعتراضات بود و منشأ اصلی آن را علمای شیعه می‌پنداشت، تصمیماتی برای کنترل اوضاع از طریق تحدید فعالیت‌های شیعیان به ویژه

علمای شیعه اتخاذ نمود. در همین راستا، مقامات این کشور تصمیم گرفتند آیت‌الله رضوانی، نماینده‌ی امام در عراق را اخراج کنند. صدام حسین، معاون رئیس‌جمهور عراق، پا را فراتر نهاد و آشکارا آنچه را موجب هراس سران حزب بعث شده بود به زبان آورد؛ وی با ارسال پیامی برای آیت‌الله صدر، گفت که نمی‌گذارد تجربه‌ی ایران در عراق تکرار شود و آیت‌الله صدر تبدیل به امام صدر گردد. آیت‌الله صدر نیز در واکنش به این پیام چنین اظهار نظر کرد: «از دولت بعث عراق در شرایط فعلی هیچ چیز بعید نیست. انقلاب اسلامی ایران دولت بعثی را به شدت بیمار کرده است، یک بیمار رو به احتضار.»

به هر تقدیر، فشارها بر شیعیان به ویژه روحانیون شیعه‌ی عراق تشدید شد، محدودیت‌ها افزایش یافت و بازداشت‌ها ادامه پیدا کرد؛ در همین راستا سید

مردم خوزستان، با برپایی یک راه‌پیمایی بزرگ در ۱۹ خرداد ۱۳۵۸ "غائله‌ی خوزستان را توطئه‌ی عراق و ساواک" خواندند

تحریک و تجاوز سنگینی کرد و سیاست اعلام حسن هم‌جواری هر چند کاملاً کنار گذاشته نشد و کم و بیش در محافل رسمی نمود می‌یافت، اندک اندک جای خود را به تهدیدهای تلویحی سپرد. با شدت یافتن درگیری‌ها در خوزستان، دخالت‌های عراق در این حوادث آشکارتر و شدیدتر شد و مسئله‌ی خوزستان با حمایت‌های عراق از گروه‌های جدایی طلب، برای دولت ایران به بحرانی جدی تبدیل شد. هم‌زمان دولت عراق سخت‌گیری‌ها و فشارها را بر شیعیان این کشور به ویژه علما و روحانیون شیعه و به طور مشخص آیت‌الله صدر افزایش داد. به این ترتیب روابط ایران و عراق به تیرگی نهاد. جالب توجه این‌که سیاست‌های بسیار ملایم و متعادل دولت موقت درباره‌ی عراق به هیچ‌وجه مانع از تشدید وخامت روابط دو کشور نشد. حتی سخنان وزیر امور خارجه‌ی ایران و نیز سفیر ایران در عراق که آشکارا نشان‌دهنده‌ی تغافل مقامات ایرانی از عملکرد سوء دولت عراق علیه ایران بود، تأثیری در عادی‌سازی روابط نداشت.

آنچه مشخص است و تحولات بعدی روابط دو کشور نیز بر آن صحنه گذاشت، این است که دولت عراق که از قرارداد الجزیره ناراضی بود، با اتخاذ سیاست دوگانه‌ی "اعلام حسن هم‌جواری و اعمال تحریک و تجاوز" ضمن این‌که درصدد به حداقل رساندن تبعات انقلاب اسلامی ایران در عراق بود و می‌کوشید چهره‌ای خرسند از پیروزی انقلاب ایران به نمایش گذارد، تلاشی فزاینده در پیش گرفت تا با در دست داشتن برگی برنده تغییراتی در مناسبات دو کشور ایجاد کند. بر این اساس عراق با وجود داشتن ظاهری دوستانه در روابط سیاسی با ایران و تأکید بر حسن هم‌جواری و احترام متقابل، به مداخله در بحران‌های داخلی ایران و به طور مشخص کردستان و خوزستان پرداخت و مخالفان انقلاب ایران را پناه و یاری داد و به بهانه‌های گوناگون در مرزهای ایران

پیش گرفت و به تحریک و تجاوز علیه ایران پرداخت. در این پژوهش از این رویه‌ی متناقض عراق در برابر ایران به "اعلام سیاست حسن هم‌جواری، اعمال سیاست تحریک و تجاوز" تعبیر شد.

اولین برخورد دولت عراق با انقلاب ایران و دولت برآمده از آن، در عرصه‌ی دیپلماتیک ظاهری دوستانه داشت. به گونه‌یی که سفارت این کشور در ایران در روز پیروزی انقلاب اسلامی (۲۲ بهمن ۱۳۵۷) خبر منتشر شده در خصوص اظهار نظر یک مقام عراقی مبنی بر بازگشت شاه به ایران و ادامه‌ی حکومت پهلوی را تکذیب کرد. همچنین این سفارت‌خانه خیلی زود نظر دولت متبوع خود مبنی بر به رسمیت شناختن دولت موقت ایران را به اطلاع مقامات ایرانی رساند. حسن البکر رئیس‌جمهور عراق نیز در نامه‌یی به مهدی بازرگان انتصاب وی به ریاست دولت موقت ایران را تبریک گفت، اما درست چند روز بعد از مخابره‌ی این تعارفات دیپلماتیک، هواپیماهای عراقی به حریم هوایی ایران تجاوز و یک روستای مرزی ایران را بمباران کردند. البته پس از این تجاوز هوایی همچنان لحن دیپلماتی عراق ملایم بود و سفیر این کشور در ایران به طور رسمی بابت تجاوز انجام شده، از دولت ایران عذرخواهی کرد. چندی بعد، متعاقب برگزاری رفراندوم تعیین نظام سیاسی در ایران، رئیس‌جمهور عراق، با ارسال پیامی استقرار نظام جمهوری اسلامی را به امام خمینی^(ره) تبریک گفت. این رفتارهای سیاسی در فضایی انجام می‌شد که عناصر عراق در کردستان و به ویژه خوزستان برای تحریک و تشویق مخالفان نظام جدید ایران فعالیت می‌کردند.

سیاست دوگانه‌ی عراق در برابر ایران در طول دوره‌ی مورد مطالعه (از پیروزی انقلاب اسلامی تا برکناری حسن البکر) با تغییراتی ادامه یافت. بدین ترتیب که به تدریج کفه ترازو به سمت سیاست

فهرست منابع

- دست به تجاوز و تحرکات نظامی زد. اما در میدان عمل آنچه اتفاق افتاد نشان‌دهنده‌ی شکست سیاست دوگانه‌ی عراق بود؛ نظام جدید روند تثبیت خود را به خوبی پیش برد، بحران‌های داخلی را حل و یا تحت کنترل درآورد و نشان داد فرصتی که عراق متصور بود به هیچ وجه در اختیار این کشور قرار نخواهد گرفت.
۱. اصغر جعفری ولدانی؛ و بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. ص ۴۹۲.
 ۲. منوچهر پارسا دوست، ما و عراق، از گذشته دور تا امروز، تهران: سهامی انتشار، ۱۳۸۶، ص ۲۱۶.
 ۳. همان.
 ۴. مأخذ ۱، ص ۴۹۵.
 ۵. مأخذ ۲، ص ۲۱۷.
 ۶. آنتونی کردزمن و آبراهام واگنر، درس‌های جنگ مدرن؛ جنگ ایران و عراق، ترجمه‌ی حسین یکتا، مقدمه و توضیحات حسین علایی، تهران: انتشارات مرز و بوم، ۱۳۸۹، جلد اول، ص ۷۷.
 ۷. در این باره بنگرید به: کنت آر. تیمرن، سوداگری مرگ، ناگفته‌های جنگ عراق با ایران، ترجمه‌ی احمد تدین، تهران: موسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳، صص ۱۳۸ - ۱۳۲.
 ۸. مأخذ ۶، ص ۷۸.
 ۹. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۷/۱۱/۱۴، نقل از: فرهاد درویشی، "تمهیدات سیاسی و نظامی عراق برای آغاز جنگ" در ریشه‌های تهاجم؛ تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق ۱، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸، ص ۱۳۱.
 ۱۰. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۷/۱۱/۲۲، ص ۸.
 ۱۱. همان.
 ۱۲. روزنامه‌ی آیندگان، ۱۳۵۷/۱۱/۲۶، ص ۳، نقل از: هادی نخعی و حسین یکتا، روزشمار جنگ ایران و عراق - زمینه‌سازی؛ پیدایش نظام جدید، جلد ۱: بحران‌های داخلی و تولد نیروهای مسلح انقلاب، ص ۱۲۹.
 ۱۳. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۱/۲۸، ص ۲.
 ۱۴. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۲/۸، ص ۳.
 ۱۵. دو روز بعد تعداد ربه‌شدگان ۹ نفر اعلام شد. ن.ک. به: روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۱۲، ص ۷.
 ۱۶. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۸، ص ۲.
 ۱۷. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۲/۱۰، ص ۷.
 ۱۸. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۲/۱۲، ص ۲.
 ۱۹. سند شماره ۱۱۲۵۵۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفنگرام رکن دوم ژاندارمری ملی ایران به وزارت کشور،

۴۲. خبرگزاری پارس، نشریه‌ی گزارش‌های ویژه، شماره ۸۶، ص ۳، آسوشیتدپرس. نقل از یکتا، مأخذ ۱۲، ص ۵۵۷.
۴۳. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۴/۵، ص ۱.
۴۴. سند شماره ۳۳۶۵۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش هنگ ژاندارمری ایلام به ژاندارمری کل کشور. نقل از یکتا، مأخذ ۱۲، صص ۷۰۲۷۰۱.
۴۵. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۹، ص ۱۱.
۴۶. سند شماره ۹۲۱۳۱۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش ژاندارمری ایلام به وزارت کشور، ۱۳۵۸/۴/۱۰. نقل از یکتا، مأخذ ۱۲، ص ۷۲۶.
۴۷. سند شماره ۰۰۰۰۱۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلگرام مورخ ۱۳۵۸/۴/۱۶، ژاندارمری کل کشور به نخست‌وزیری. نقل از یکتا، مأخذ ۱۲، ص ۸۱۵.
۴۸. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۳، ص ۲.
۴۹. روزنامه‌ی بامداد، ۱۳۵۸/۴/۷، ص ۳.
۵۰. خبرگزاری پارس، نشریه‌ی گزارش‌های ویژه، شماره ۱۰۲، ۱۳۵۸/۴/۱۳، خبرگزاری فرانسه، روزنامه‌ی النوره، نقل از یکتا، مأخذ ۱۲، ص ۷۹۶.
۵۱. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۳، ص ۲.
۵۲. مأخذ ۵۰، ص ۱۵، رادیو صوت الجماهير، مجله‌ی اشپیگل، نقل از یکتا، مأخذ ۱۲، ص ۷۹۶.
۵۳. همان.
۵۴. همان، ص ۷۹۷.
۵۵. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۴/۲۵، ص ۱۲.
۵۶. همان.
۵۷. همان.
۵۸. مأخذ ۲۲- و سند شماره ۹۰۲۸۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش مأمور اعزامی دفتر هماهنگی سپاه مرکز به خوزستان. نقل از حسین یکتا، روز شمار جنگ ایران و عراقزمینه سازی؛ پیدایش نظام جدید، جلد ۲، بحران در خوزستان صص ۴۴۴۲، سند شماره ۵۱۱۲۵۳۳ مرکز اسناد و تحقیقات جنگ، نقل از پیشین، ص ۴۱۵ و روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۲/۱۸، ص ۱ و ۵.
۵۹. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۳/۱۲، ص ۳.
۶۰. همان.
۶۱. همان، ص ۸.
۲۰. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۲/۱۶، نقل از نخعی و یکتا، مأخذ ۱۲، ص ۲۷۷.
۲۱. سند شماره ۰۰۰۰۰۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش رکن ۳ ژاندارمری کل کشور به وزارت امور خارجه‌ی ایران، ۱۳۵۸/۱/۱۱، نقل از: نخعی و یکتا، مأخذ ۱۲، ص ۳۳۳.
۲۲. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۲۳، ص ۲.
۲۳. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۲۴، ص ۸.
۲۴. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۲۶، ص ۸.
۲۵. منوچهر پارسادوست، نقش عراق در شروع جنگ؛ همراه با بررسی تاریخ عراق و اندیشه‌های حزب بعث، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۹، ص ۲۶۳. و نیز بنگرید به روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۱/۲۲، ص ۸.
۲۶. همان.
۲۷. امام خمینی، صحیفه‌ی امام، مجموعه آثار امام خمینی (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام، چاپ اول، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۳۲.
۲۸. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۱/۳۰، ص ۸.
۲۹. روزنامه‌ی آیندگان، ۱۳۵۸/۱/۳۱، نقل از نخعی و یکتا، مأخذ ۱۲، ص ۷۲۱.
۳۰. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۲/۳۰، ص ۲.
۳۱. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۳/۳، ص ۶.
۳۲. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۱۶، ص ۲.
۳۳. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۳/۱۶، ص ۲.
۳۴. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۳/۱۹، ص ۳.
۳۵. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۰، ص ۳.
۳۶. سند شماره ۰۰۰۰۱۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلگرام گروهان ژاندارمری مریوان به وزارت کشور، نقل از یکتا، مأخذ ۱۲، ص ۴۷۸.
۳۷. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۳، ص ۱.
۳۸. مأخذ ۳۵.
۳۹. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۶، ص ۲.
۴۰. خبرگزاری پارس، نشریه‌ی گزارش‌های ویژه، شماره ۸۴، ۱۳۵۸/۳/۲۶، ص ۱۱. نقل از یکتا، مأخذ ۱۲، ص ۵۳۸.
۴۱. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۸، ص ۲.

۶۲. همان.
۶۳. روزنامه‌ی اطلاعات، ص ۲.
۶۴. سند شماره ۵۱۱۲۵۳۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفنگرام استاندار خوزستان به وزیر کشور. نقل از یکتا، مأخذ ۵۸، ص ۴۱۹.
۶۵. مأخذ ۵۹، ص ۸.
۶۶. سند شماره ۳۴۶۷۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفنگرام ژاندارمری کل کشور به وزارت کشور. نقل از یکتا، همان ص ۴۰۵.
۶۷. ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نشریه تاریخ جنگ، شماره ۳، بهار ۱۳۷۱، ص ۴۰. نقل از مهدی انصاری، محمد درودیان و هادی نخعی، خرمشهر در جنگ طولانی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۶۸.
۶۸. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۱، ص ۱.
۶۹. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۱، ص ۲.
۷۰. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه شماره ۸۳، ۱۳۵۸/۳/۲۵، صص ۱ و ۴، نقل از یکتا، مأخذ ۵۸، ص ۵۱۲.
۷۱. مأخذ ۴۱.
۷۲. سند شماره ۰۹۰۲۹۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش سپاه خوزستان به ستاد مرکز. نقل از یکتا، مأخذ ۵۸، صص ۵۴۷۵۴۶.
۷۳. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۳، ص ۲.
۷۴. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲۸، ص ۲.
۷۵. همان، ص ۳.
۷۶. یحیی فوزی تویسرکانی، تحولات سیاسیاجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران: مؤسسه‌ی چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۴، جلد اول، صص ۴۶۵۴۶.
۷۷. مأخذ ۲۰، ص ۲.
۷۸. مأخذ ۱۷، ص ۲.
۷۹. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۱/۱۹، ص ۳.
۸۰. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۳، ص ۷.
۸۱. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۷/۵/۹.
۸۲. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۲/۸، ص ۳.
۸۳. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۴/۱۷، ص ۸.
۸۴. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۲/۱، ص ۳.
۸۵. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۲، ص ۸.
۸۶. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۱۰، ص ۲.
۸۷. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۱/۱۵، ص ۳.
۸۸. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۰، ص ۳.
۸۹. سند شماره ۹۲۱۳۱۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش ژاندارمری ایلام به وزارت کشور، ۱۳۵۸/۴/۱۰، نقل از یکتا، همان، ص ۷۲۶.
۹۰. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ص ۲.
۹۱. روزنامه‌ی بامداد، ۱۳۵۸/۳/۲۹، ص ۱.
۹۲. عزت‌الله عزتی، تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۴، ص ۳۳.
۹۳. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۲/۱۵، ص ۵.
۹۴. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۷، ص ۲.
۹۵. صحیفه‌ی امام، پیشین، ج ۷، ص: ۴۲۳.
۹۶. روزنامه‌ی اطلاعات، ۵۸/۳/۱۳، ص ۲.
۹۷. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۳/۱۷، ص ۳.
۹۸. همان.
۹۹. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۲، ص ۲.
۱۰۰. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۳، ص ۳.
۱۰۱. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۳، ص ۲.
۱۰۲. صحیفه‌ی امام، ج ۸، ص ۱۵۰.
۱۰۳. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۳/۲۸، ص ۱.
۱۰۴. همان.
۱۰۵. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۳۱، ص ۲.
۱۰۶. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۳/۳۱، ص ۲.
۱۰۷. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۲، ص ۶.
۱۰۸. همان.
۱۰۹. همان.
۱۱۰. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۴/۵، ص ۱.
۱۱۱. روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۵۸/۴/۷، ص ۷.
۱۱۲. روزنامه‌ی انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۱۷، ص ۴.